بسمه تعالی

# نماز جعبه نور(Lux Light Box) نماد اسلام

**نوشته نادر حسن زاده**

خدا نکند فرد مسلمان نماز را برای نماز بخواند، برای رفع تکلیف بخواند، برای دیده شدن نزد مردمان تصمیم گیر بخواند، برای رفع بلا بخواند. نماز را برای ارج گزاردن به خود و خدای خود باید خواند. یک نوبت نماز طول عمر را به امامت حضرت رسول (ص) باید خواند.

با یک همصحبتی با خدا به او و خود ثابت می کنیم ما هم به اندازه یک سلول ابتدائی درک و فهم داریم.

اگر او میکروماینڈ (micro-mind)، میکروسینس (micro-sense) و..است اما چون کلاغ برای قابیل درس ها و عبرت ها دارد. یکی از حکایت های ۳-۲ میلیارد سال پیش او اینست هر کاری که در دنیا انجام می دهید ثمره فعال شدن و بیان شدن ژنهای شماست. سعی کنید ژن نور تولید کنید. مفید باشید تا مضر. خادم باشید تا خائن. اولین محصول نماز آدم بودن است، رعایت حقوق دیگران است. این دیگران از همزاد شروع می شود تا همنوع، تا همزبان و یا بی زبان. خدا نکند در این دنیا فردی فرعونیت کند، جباریت کند. بی محابا به خود و دیگران ظلم های مضاعف بکند. انتخاب با شماست. مصداق آیه فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذَابٍ (سوره فجر آیه ۱۳) شدن با ما است. دیدن مجموعه عذاب ها (رشته عذابها) در راه است! پدیده حدنصاب حسگری یا درک احساس (quorum sensing) به ما می آموزد اعمال ما ثانیه به ثانیه محاسبه می شود و در موعد مقرر بیان و عیان می شود. تجربه دنیا، تجربه آخرت است. تولید و انتقال نور از دنیا به آخرت است و نه برعکس. تلاش کنیم هم خود مولد نور باشیم و هم از نور دیگران بهره ها ببریم. کار نکنیم شاهکار کنیم. تا آن حد که دو فرشته کاتب رقیب و عتید (ق/۱۸) و دو فرشته همراه سائق و شهید (ق/۲۱) ما را رها کنند و با چهار فرشته مقرب خدا تنها بگذارد.

تاریخ نشر ۱۳۹۵/۴/۲. تاریخ بازبینی نسخه بیست و ششم ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

hasanzadehr@yahoo.com

# نماز جعبه نور(Lux Light Box) نماد اسلام

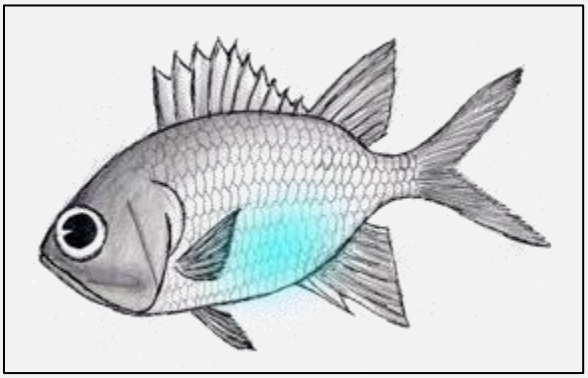

ساطع شدن نور در قسمتی از سطح پوست ماهی که مبادرت به تغذیه باکتری های مولد کرده است! به دلیل همین نورپاشی ماهیهای تابان در امان صیادهای شب هنگام خود نیستند.

**Pinecone fish utilize luminous bacteria, colonized in the ventral cavity, to illuminate the surroundings as well as for intra-species communication.**

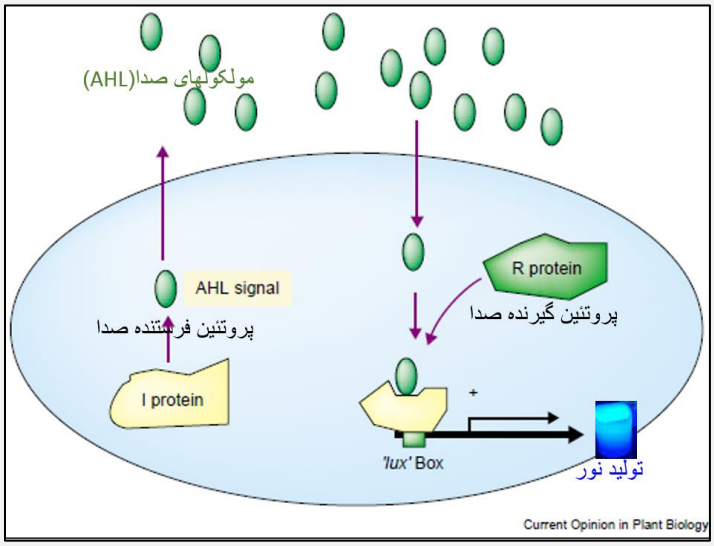


شمای کلی از پیغامها و پسغامهای درون یک سلول باکتری. تعامل دو پروتئین **I** و **R** بر روی لوکس باکس مولد نور منجر به تولید نور در باکتریهای مولد نور می شود.

**LuxI/LuxR is an integrated part of the lux operon, which is involved in bioluminescence through activation of the structural *lux* genes (lux*CDABE*).**

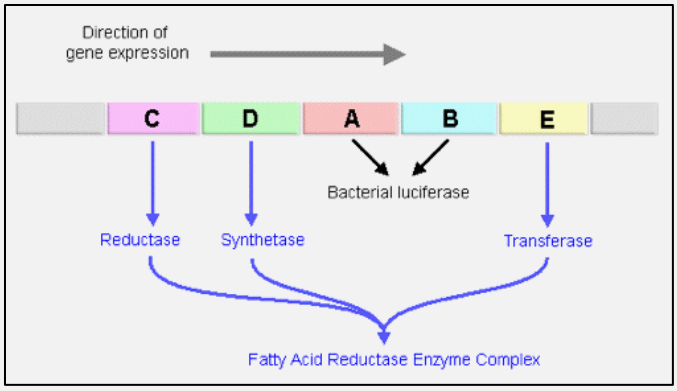


نحوه قرار گرفتن ۵ ژن مسئول تولید نور روی اپرون نور

**The arrangement of the *lux*CDABE open reading frames.**

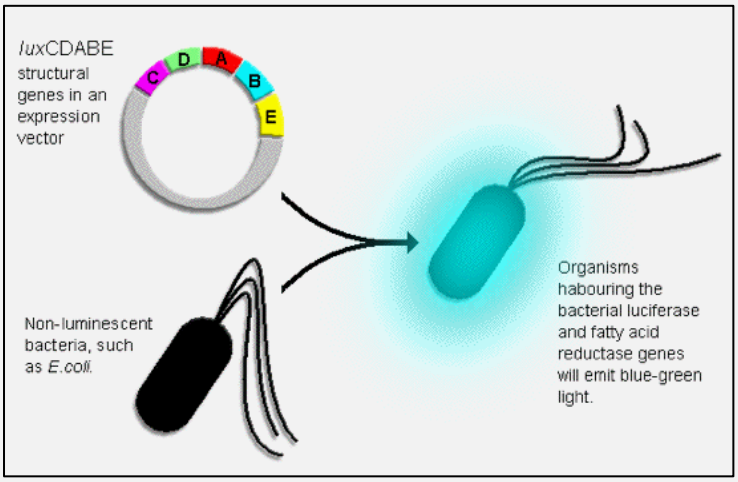


انتقال ۵ ژن مولد نور به باکتری فاقد آن (***E. coli***) و مشاهده تولید نور در باکتری که تا قبل از مهندسی ژن بی نور بود.

**The insertion of the foreign *lux*CDABE structural genes into the organism, enable the organism to emit light.**

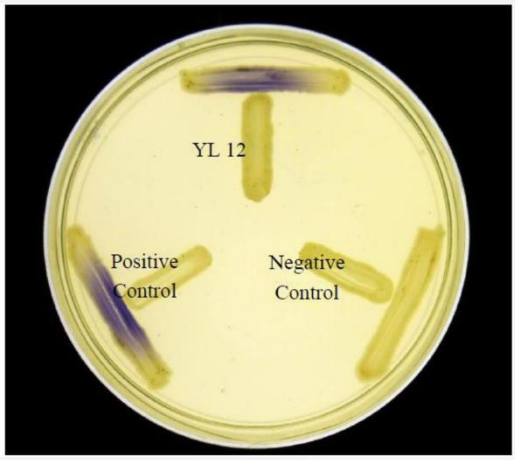


**باکتری دستکاری ژنتیکی شده (تراریخته) *Chromobacterium violaceum* CV026 که ذاتا نور بنفش تولید می کند اما بخاطر دستکاری در ژن فرستنده آن (I) فقط می تواند پیغام را بگیرد اما عاجز از دادن پیغام به هم نوع خود است. بنابراین اگر از بیرون پیغام را بگیرد رنگ خواهد داد، نگیرد بی رنگ خواهد ماند. در این پتری (طشتک) هم درکنترل مثبت و هم در مجاورت باکتری (YL 12) صدای باکتری همجاور را شنیده و تولید نور بنفش کرده است. درکنترل منفی صدائی نشنیده لاجرم رنگی هم تولید نکرده است.**

**Cross-streaking of strain YL12 with *C. violaceum* CV026 was observed to trigger violacein production in the biosensor. *E. carotovora* GS101 and *E. carotovora* PNP22 were used as positive and negative controls, respectively.**

- با این مقدمه و با این پیش زمینه باید افزود نماز، مظهر تولید روزانه نور در پیشگاه خداست الحان نماز با انوار نماز است (مراجعه شود به نماز آهنگین خدا در همین سایت). زیرا که نماز رکن رکین تمام عبادات اسلامی است. معادل آن در علم امروز لوکس باکس یا جعبه نور (lux light box) است و چون نماز نماد اسلام و قرآن نهاد اسلام است می توان با یک قیاس مع الفارق گفت لوکس باکس نور برای نماد اسلام، نماز و لوکس باکس نور برای نهاد اسلام، قرآن است.
- این دو ظاهر و باطن اسلام را نمایندگی می کنند. قرآن ریشه این شجره طیبه (منور) و نماز و روزه و حج و... شاخه های آن هستند. بنابراین نهایت ساده اندیشی است که فکر کنیم صرفا با حفظ شعائر اسلامی برای خود، جامعه خود و خود اسلام که ما مسلمانان محصول آن هستیم بتوان تولید نور کرد. مگر به ریشه اسلام معتقد بود و قبول کرد این ریشه جز نور تولید نمی کند.
- **لوکس باکس را ابتدا در باکتریها (موجودات ابتدائی تک سلولی) و مشخصا در باکتری *Vibrio fischeri* ردیابی کردند.**
- محققان در اواخر دهه ۶۰ دریافتند که باکتری اخیر تولید نور می کند و جعبه نور آن روی DNA آن است. ابتدا این پدیده شگرف را این باکتری دارای۵ ژن اصلی (lux*CDABE*) در اپرون لوکس خود است (اپرون ها محل استقرار ژنها با کارکرد مشابه هستند). درست است که باکتریها موجودات تک سلولی هستند و برای خود حیات مستقلی دارند. اما

اگر بخواهند کار جمعی و مشترک انجام بدهند بطور مثال به میزبان گیاهی یا جانوری خود حمله بکنند و سبب بیماری بشوند ناگزیر به همصدائی و هماهنگی هستند. این هماهنگی ها صرفا از طریق همصحبتی با هم برای درک و حس به حدنصاب رسیدن جمعیت خود انجام می گیرد.

- این پدیده امروز بنام حدنصاب حسگری (quorum sensing) شناخته می شود. تک تک سلول هائی باکتریائی این توانائی را دارند که مولکولهای صدا (بطورمثالAHLs) را بین خود رد و بدل می شود را درک کنند و به آن پاسخ بدهند. حضرت سلیمان دیروز فقط زبان مورچگان و پرندگان را می دانست و امروز دانشمندان به زبان باکتریها و قارچها و دیگر موجودات را هم آشنا هستند و شرکت های مهم داروسازی مبادرت به ساخت مولکولهای صدا آنها می کنند.

❖ مولکولهای صدای باکتریها در داخل سلول تولید و به خارج از سلول نشت پیدا می کند. ژن سازنده صدا در باکتریهای مولد نور بنام ژن *I* است. پروتئین صدا که توسط ژن مذکور تولید می شود بنام I است.

سلول باکتریها فقط فرستنده پیغام نیستند، گیرنده پیغام های مشابه هم هستند. هر سلول باکتری همزمان دریافت کننده سگینالهای مختلف یک گونه و یا گونه های مختلف است. این هم صحبتی امروز از سطح باکتریها هم فراتر رفته و شامل هم صحبتی باکتریهای تک سلول با پرسلولی هائی چون انسان، جانور و گیاه هم می شود (تکامل موازی با هم همه موجودات).

از این جالب تر امروزه ثابت شده است هم صحبتی گیاه و باکتری درحد تقلید صدای هم! و بعضا تخریب صدای هم هست!.

❖ از طرفی، گیرنده پیغام ها در درون سلول باکتریها بر عهده ژن *R* و پروتئین مربوط به آن بنام R است. وقتی صدها پیغام (مولکول صدا) از بیرون از سلول یک باکتری به محیط اطراف انتشار می یابد باکتریهای اطراف آن صداها را درک و به آن پاسخ می دهند.

تصور ترافیک صدا در جاهای شلوغی چون اطراف ریشه/پوست بدن انسان غیر قابل تصور است. این شلوغی در همه سطح و اطراف ریشه یکسان نیست. جاهائی که باکتریها پر ازدحام هستند صدای بیشتری نسبت به جاهائی کم جمعیت هستند تولید می کنند (مثل شهرها سکونت ها در جائی است که به اندازه کافی آب و غذا موجود است).

ممکنست میلیونها صدا توسط باکتریهای مختلف همزمان تولید و به محیط اطراف پخش بشود. اما مهم شنیده شدن صدای خاص یک باکتری با باکتریهای مشابه است. زیرا شنیده شدن صدا برای هماهنگی با هم برای انجام یک کار مشترک است.

برای تحقق این هدف اولا باید مواظب باشند تخریب صدائی توسط رقیبان صورت نگیرد! ثانیا یک صدای واحد (یک سیگنال) در آن واحد دو بار توسط ایشان شمارش نشود (به مثابه رکعت شمار!) شاید هم بخاطر همین احتمالات است که بعضی از باکتریها چند صدائی و چند زبانی هستند!).

از آنجائیکه باکتریها با تولید و شمارش پروتینهای R خود حساب صداهای خود را دارند و مرتب تراکم (غلظت) صدای خود را رصد می کنند به محض اینکه مشاهده کنند صدای آنها به حدنصاب رسیده یقین حاصل می کنند جمعیت (لشکر) به اندازه کافی موجود است و اگر حمله کنند حمله موفقیت آمیز خواهد بود. لذا بدون درنگ به میزبان خود حمله ور می شوند. در این شرایط که جمعیت باکتریها به میلیون ها رسیده گیاه/انسان میزبان دیگر قادر به دفاع از خود نیست و تن به بیماری می دهد. اما کار مشترک باکتریها فقط و فقط برای حمله به گیاه و غیره نیست بلکه یکی از معروف ترین و زیباترین کارهای که از بعضی از باکتریها صادر می شود، تولید نور است.

همه این مقدمات برای تشریح کارکرد آنها برای تولید نور است و توجیه من برای امر مشابه اما متعالی و آن مقایسه عملکرد یک نمازگزار در حین اقامه نماز و یادآوری آن به نمازگزاران که نماز را چون خدا جدی گیرد. عصر ارتباطات است. اذان صدای خداست. معنی لغوی آن آگاه کردن، آگاهانیدن و خبر **به** گوش رساندن است.

در زیرنویس تلویزیون مدینه از آن بنام یرفع اذان و معادل آن (calling) یاد می شود. صدا کردن ما از خدا و خواندن متن (نقل- طبق زیرنویس تلویزیون مدینه) و اقامه نماز با ما. نهایتا تولید نور با هم صدائی مخلوق با خالق و برعکس.

**نماز در جامعه پیاده بشود خدمات ما مسلمانان به هم نوعان خودمان به حد میکرو حساس می شود و دیگر کسی نمی گوید فقر او، رنج او، درد او، ظلم بر او به ما مربوط نیست. بلکه چون علی (ع) رنج یک دختر یهودی همان مقدار حساسیت برانگیز است که رنج یک دختر مسلمان.**

- اما مکانسیم عمل باکتریهای مولد نور:
- همانگونه که گفته شد همه باکتریها حدنصاب جمعیت/پیام بین خود را درک می کنند. با حد نصاب رسیدن صداهای خود (جمعیت خود)، دست به کار مشترک می زنند.

باکتریهای مولد نور در قسمتی از DNA خود (اپرون نور) دارای۵ ژن اصلی (lux*CDABE*) هستند. این اپرون بنام اپرون لوکس معروف است. همه می دانیم باکتریها دارای ده ها اپرون هستند اما چرا این اپرون بنام اپرون لوکس معروف است؟ چون ۵ ژن نور آن روی اپرون لوکس قرار دارد. فعال (بیان) شدن همزمان ژنها منجر به تولید پروتئین نور می کنند و چون نور را با واحد لوکس می سنجند و برای اندازه‌گیری شدت روشنایی از لوکس متر استفاده می‌کنند، به این اپرون، اپرون لوکس اطلاق شده است.

تشعشع نور آنها در تاریکی روی محیط کشت، سطح بدن ماهیها وغیره بوضوح قابل رویت است. لازم به یادآوریست لوکس باکس (lux box) در قسمت پرومتور DNA قرار دارد. پرومتورها هم محلی از DNA است که آنزیم RNA

polymerase+sigma factor به آن متصل و طی یک فرآیندی موجب بیان (رونویسی ژنهای مربوطه) و ترجمه آنها (تولید پروتئینهای مختلف) می شود.

- با این نگاه و با این مقدمه که سعی شد با رنگهای مختلف نمایش داده شود تا رشته کلام از دست خارج نشود.
- به امید روزی که مسلمانان خود کاشف پدیده های بزرگ باشند.
- به سراغ جعبه نور نماد اسلام که نماز است برویم. باشد پدیده هائی دیگری در بدن انسان کشف تا شباهتهای دقیق تر، شفاف تر و ملموس تری از موضوعات متنوعه ارائه گردد. شاید برای شروع مقایسه بیان ژنهای یک نمازگزار با غیر آن باشد و شاید هم مجال مقایسه عبادات ادیان مختلف با هم باشد.
- بالاترین عبادت انسان در پیشگاه خدا نماز است. اگر لوکس باکس باکتریها فقط دارای ۵ ژن است در لوکس باکس نماز هر ذکر/هر رکن/هر رکعت دارای یک تا چند ژن مولد نور هست. علاوه بر این دو لوکس که برای نماز مطرح شد. لوکس باکس صدای اذن و لوکس باکس تسبیحات حضرت فاطمه (ع) هم حائز اهمیت است.
- همچنانکه انسان و هر موجود دیگر به نور و روشنائی احتیاج دارد و اگر بقدر کافی به او نرسد ناچار است نورترابی کند، روح انسان هم به نور احتیاج دارد و این نور از طریق عبادات میسر می شود.
- در واقع عبادات بویژه نماز بر نمازگزار او تولید و تامین نور می کند.
- این نور در اثر تعامل "سیگنال اذان– سگینال نماز و سگینال خدا" تولید می شود.
- با زبان باکتری اگر بخواهم این قیاس مع الفارق را توضیح بدهم و کمتر مورد ملامت قرار بگیرم! باید متذکر بشوم پیغام از طرف نمازگزار بالا می رود (I)، گیرنده پیغام خداست (R). چنانچه سیگنال ما به اندازه کافی (حد نصاب) بوده باشد لبیک خدا حتی با یک نماز دو رکعتی، با یک دعای خالصانه و با جان و دل، و چه می گویم با یک قول برای دادن نذری در صورت اجابت دعا! به اذن خدا حتمی است.
- اما این حدنصاب کجا و حدنصاب اوتاد شدن کجا؟ مستجاب دعوه شدن کجا؟ سالها خودسازی می خواهد، سالها به بیان مرتب تمام ژنهای نور نیاز است که فرد نورانی بشود، لوکس باکس او در چهره و رفتار او ظاهر شود. اثر سجده بر روی پیشانی او ظاهر می شود. اما این اولین مرحله نورانیت فرد است. مرحله بعد، این نورانیت به تمام بدن او سرایت می کند و یک انسان نورانی می شود. می شود حضور او را در تاریکی هم حس کرد. بوی او را می شود حس کرد. از گفتار او نورانی شد. از کردار او کیهانی شد.

در این مرحله انسان خود ساخته خدا ساخته از ظلمت خلاصی یافته و وارد وادی نور شده است (من ظلمات الی نور)، دیگر ذاکر خدا شده است (دائم ذکر)، سجاده نشین کوی یار شده است، به مقام بشارت رسیده است. مبشر مومنین شده است. برای امثال من متوسل شدن به انبیا و اوصیا تنها راه میان بر است، ضمانت اجابت دعا، ایشان هستند.

این نور از این سجاده است

ساجد فقط سجاده است

حافظ در این سجاده است

ای بی خبر سجاده است

انجم در این سجاده است

سجاده ها صد چاره اند

صد ره در این سجاده است

بر خاکیان سجاده است

بر سالکان پروانه است

پرواز تو سجاده است

همراه تو همواره است

بی خواب نمان سجاده است

با ما بمان سجاده است

این شرک نیست که برادان اهل تسنن می گویند مستند به همین پدیده حسگری است. اما عجالتا طبق این پدیده ساده، در همه نمازها تولید نور می شود. اما نور موثر آن نوری است که پایا و درحد نصاب باشد. در کام دهان نماند، مظهریت و عینیت داشته باشد. با رکعت های در غفلت نماز هم نور تولید می شود. اما این نور کجا و نور نمازهائی که با اخلاص باشد.

تکلیف شک هم در نماز مشخص است. البته نه در مورد افرادی که آلزایمر گرفتند. برای قبل از آلزایمر قطعا مفید و موثر است.

- **بعید می دانم پیامبر (ص) در عمرش یکبار نماز با غفلت خوانده باشد. دلیلم اشتیاق وی بر رفتن به غار حراست. یک سوم تا نصف شب بیدار ماندن برای عبادت است. مانوس بودن با جبرئیل امین است. پله پله رفتن تا معراج است.**
- پیغام انسان ها متفاوت از باکتری ها است. صرفا از روی غریزه و فطرت نیست، از روی آگاهی هم هست، از روی اجبار نیست بخاطر هم صحبتی است. نباید گذاشت پیغام ها در محدوده کام دهان باقی بمانند، یا در هوا محو و نابود بشوند. پیغام دادیم باید در انتظار پاسخ نشست. حق هم با همین استدلال است. منتها تحقق آن نیازمند حدنصاب است. امکان ندارد خارج از موعد باشد (قابل توجه کسانی که از خدا اجابت آنی دعا را دارند). نماز پل ارتباطی دو طرفه است. رد و بدل سگینال بین دو طرف است. تولید نور کمترین انتظار از عبادات و خدمت به نوع بشر است. در شرایط مطلوب، نورتراپی با نماز همان کاری را با روح ما می کند که نورتراپی با نور خورشید برای جسم ما.
- سه رکن مهم برای جذب کامل نور: شدت نور، میزان نور و مدت نور هستند.

- خیلی وقت ها نمازهای ما مسلمانان تولید نور اندک می کنند (بدلیل عدم بیان کافی ژن های مولد نور). گاهی وقت ها نمازهای ما فاقد ژن نور هستند! به مرور زمان در اثر بی توجهی و نافرمانی معیوب شده اند، مخدوش شده اند، تغییر ماهیت داده اند، بی خاصیت شده اند، دچار جهش شده اند، شبیه صدای اصلی ما نیست! اگر خود را معرفی نکنیم قابل شناخت نیست و بالاخره گاهی اوقات شدت نور ناشی از بیان ژن های نماز ما ضعیف است.
- روش ترمیم و تقویت این موارد چگونه ممکن است؟
- ساده است با حفاظت از ژنهای نور خود، با حفاظت از دو ژن فرستنده و گیرنده صدای خود، از همه اینها مهمتر مراقبت از رفتار خود که مبادا خدا دیگر صدای ما را نشنود. به دهان ما و قلب ما مهر بزند، نه صدائی بالا برود و نه پیغامی پائین بیآید. اینکه گفته اند رابطه خود را با خدا کاملا قطع نکنید بگذارید یک پرده ائی بین شما و خدا باقی بماند در همین رابطه است. نباید گذاشت هیچ سگینالی بین ما و خدا قطع بشود.
- **پروتئین I ما مختل بشود فاجعه است، پروتئین R ما قطع بشود فاجعه دیگری است اما فاجعه بارترین آن هنگامی است که R خدا که گیرنده همه پیغام ها از همه موجودات مرئی و نامرئی است دیگر پیغام ما را نگیرد.**
- رفتن به عبادت گاه ها راهگشاست. خواندن نماز به جماعت گره گشاست. نماز هر کسی نور دارد و نماز یک مومن در جمع نمازگزاران کفایت می کند تا شدت نور به حدنصاب برسد. نماز جمع، جمع نور است. مایه و عامل انتقال از یک فردی به فرد دیگر است. در باکتریها این موضوع ثابت شده است که اگر این ۵ ژن مولد نور به هر باکتری فاقد آن منتقل بشود باکتری گیرنده ژنها تولید نور می کند. چه بسا در نماز جماعت، صدای ذکر یک مومن کنار دست ما، پروتئینI یا Rما را که خاموش شده و یا در حالت خاموشی است (بخاطر ریکاروی اطلاعات روزانه) روشن کند.

ثابت شده باکتریهای که ژنهای مولد صدای آنها دستکاری شده بودند (قادر به شنیدن بودند اما قادر به دادن پیغام نبودند به محض اینکه با باکتری همزبان خود در سطح یک پتری (طشتک) هم صحبت می شود تولید رنگ می کنند.

امروز صحبت از تولید باکتریهای تابان (glowing bacteria) و حتی گیاهان تابان (glowing plants) است. با یک روش ساده مهندسی ژنتیکی. چرا نماز نتواند چنین نوری تولید کند؟ چرا اعمال صالحه نتواند چنین نوری تولید کنند؟ مگر مصادیق کم داشتیم و داریم؟

- با این دید عالمانه، محققانه، معترفانه و بلند پروازانه از نماز چرا باید در سطح جامعه که متاسفانه دین گریز هم شده است نماز دغدغه اول مسلمانان شیعه ایرانی نیست؟ چرا از دین گفتن امروز عقب ماندگی محسوب می شود؟ دوره شاه دین مظلوم بود امروز مظلوم تر. چون خط قرمزهای اسلام را مدعیان اسلام شکستند! چون عزیز دردانه های احکام اسلامی به مصلحت های روزانه سپرده شده اند.
- نخواستیم اعتراف بکنیم نماز، شغل نیست، مایه تفاخر نیست، مایه زجر نیست. نماز نردبان رشد است نه نردبان گرفتن پست! نماز تنظیم روزانه اعمال است و نه تنظیم ساعت حضور در جمع مدیران صاحب امضا! (مدیران مستعفی که دیگر ارزش ندارند بعضا سلام هم زیبنده ایشان نیست!!) چون نخواستیم بپذیریم اگر یک لکه ناچیز خون در سطح بدن و

لباس نمازگزار نماز را باطل می کند اموال مردم بر ذمه نمازگزار میلیاردها برابر مفسدتر، مهلک تر و بدون شک مبطل نماز است.

و هکذا زمین غصبی، قبله فرعی، نفاق و از همه بدتر خرافات. این اعمال، خاموش کننده نور نماز فرد متخلف و افراد تحت پوشش است. بعضا خاموش کننده نماز بسیاری از مردمی است که اسلام را در چهره ایشان می بینند. این آقایان اگر نماز نخوانند و به اعمال شنیع خود ادامه بدهند بهتر است. ریش نگذارند ریشه دارتر است. دیگر محتاج وصله پینه رنگ ریش و مو و ابرو و سبیل خود نیستند:

موی سر جو گندمی، ریش سفید تا نیمه رنگ کرده، آبرو ابلق و سبیل مشکی.

وصیت کنند برای ایشان نماز و روزه استیجاری بگیرند ثوابش بیشتر است زیرا از قبل آن چند آدم بی شغل صاحب شغل می شوند، درهای مساجد زودتر از موعد باز می شود، ارزش ریالی نماز بر خوانندگان و نخوانندگان نماز بهتر معلوم می شود، به روزتر می شود. پول دزدی به صاحبان اصلی آن که به سبب اقتصاد ناسالم و بدون ناظر مزید بدبختی ایشان شده است مسترد می شود و ده ها خیر و برکت دیگر.

- آنچه در اسلام مهم است فرد خودساخته، نماز خود خوانده و خداخوانده است. این نوع نمازها اسباب اتصال و نوید ارتحال است. افراد هم معترض نشوند که چرا آن اسلام شما در هیچ کجا یافت نمی شود؟ مگر ما چند نوع اسلام داریم؟ پاسخ مشخص است آدمهای این اسلام بسیار اندک هستند. مسلمانان از هر چیزی بگذرند از مقام و پول نمی گذرند! و این منیت و نه مناعت کاملا در تضاد روح اسلام و پدیده حسگری است. از این رو ده جا اسلام پیاده می شود، میلیونها انسان عبادت و بلکه عبادتها می کنند اما خروجی همه اینها دور شدن از نسخه اصلی اسلام واقعی است.
- هنوز مردم آگاه نیستند مزه نماز چیست؟ روبروی خدا ایستادن چقدر لذت بخش است. حاضر هستند جلوی آفتاب بایستند تا کمبود ویتامین D رایگان دریافت کنند، تا سلامت و ایمنی سلولهای خود را افزایش بدهند، تا از پوکی استخوان خود جلوگیری کنند، تا مانع تجمع پروتئینهای مضره باشند و.. اما حاضر نیستند روزانه ۵ بار در پیشگاه خالق خود، رازق خود، عاقبت اندیش خود، تنها حامی روزهای دشوار خود چند دقیقه ائی حاضر باشند تا ایشان را ایمن دنیا و آخرت بکند، شارژ همه جانبه بکند، منتخب خود بکند، نماینده تام الاختیار خود بکند.
- هر رکن نماز زیباست. زیباترین آنها سجده است. سجده نقطه اوج بندگی است. مرکز ثقل اتصال است. انسان ساجد چون نمی تواند تمام وجود خاکی خود را بر آستان آسمانی خدا بساید ناگزیر پیشانی خود را نماینده می کند و یکی از آثار آن هم اثر سجده بر پیشانی است. صد اثر دیگر آن شناخت منزلت خود در برابر معرفت و رحمت خداست.

در جائی از قول حضرت علی (ع) آمده بود "اگر نمازگزار می دانست تا چه حد مشمول رحمت الهی است هرگز سر خود را از سجده بر نمی داشت". البته منظور از اثر سجده نه آن رنگ ها و شکل های ملون بر پیشانی هاست که بیشتر به زخم مهر شبیه است که شباهت زیادی به زخم بستر دارد! بیش از آنکه نشانه (sign) تقوا و تقید باشد، نشانه تجاهل

است و حکایت از زخم (ulcer) وجود دارد. **و چون بحث اعتقادی و معرفتی است خال کوبی زندانیان بر آن شرف دارد!** زیرا در موضوع خال کوبی، فرد مورد نظر از روی بیکاری و امروز از روی تفاخر، بر پوست خود نقش می اندازد. سابق بر این زندانیان تادیب شده خال های زندان کوبیده بدن خود را زیر لباس خود مخفی می کردند و امروز کشتی گیران سیاستمدار کشور گوش های شکسته خود را با عمل جراحی ترمیم و یا با بلند کردن موهای بغل گوش خود آنها را زیر موهای سر خود پنهان می گذارند.

اما فرد ریاکار چیزی را به رخ می کشد که اهلش نبوده است!! جز پیشانی اش نبوده است. این فرد چون دوست می دارد نان ریا را بخورد دین را دنیای خود می کند و برای نمایش ریای خود پیشانی را رنگ می کند! و گرنه اثر سجده آن اثری است که ساجد همواره در صدد مخفی کردن آنست. در اثر سجده های مداوم یک بار پیشانی او به دست خدا می خورد و نشاندار (label) می شود.

برای این منظور یک مومن بهتر است به جای گذاشتن مهر که سمبل خاک پخته است و آلوده به ده ها میکروب است (در نمازخانه ها آدم از چرک سطح مهرها رغبت به گذاشتن پیشانی خود بر آنها نیست) از یک جلد قرآن بسیار کوچک با ابعاد چند سانتیمتری در جانماز خود استفاده کند که از مزایای بارز آن حذف طبیعی جای مهر کاذب و نیز دیدن جلد قرآن بعنوان نور خدا و پیامبر در تمام مدت اقامه نماز و بوسیدن آن بعد از هر نماز است. اگر بتواند قرآن را در آخر نماز باز کند و به آیات آن نظر کند مطمئنا از آیات موجود نور می گیرد حتی اگر خط آیات بدلیل ریزی قابل خواندن نباشد. اگر هم بنابر عادت و استحباب دوست دارد مهر هم جزو جانماز خود باشد بهتر است از مهرهای کوچک استفاده کند که یادآور خاک خلقت اوست. خاک مدفن و برخاستن اوست.

**واگر بخواهیم به مانند یک مسلمان صدر اسلامی به نماز و سنت نماز پایبند باشیم اهل تشیع و اهل تسنن باید به این اجماع برسند محل نماز را از دیگر جاها متمایز کنند. بهترین و کم خرج ترین محل برای تمیز محل نماز، سجاده جانماز است که در داخل جانماز آن یک تسبیح از جنس ترجیحا خاک و یک جلد قرآن بسیار کوچک است. این جانماز به مرور جذب نور نماز می کند و اتفاقا در روزهای بحرانی بویژه بیماری شفابخش است. زیرا** محل نماز/سجاده نماز خود شفاخانه است (مراجعه شود به نظر من ذیل خبر خشکسالی و عدم نزول برکات ناشی از گناهان است،۱۳۹۴–سایت بینانیوز، فایل ۱۹۸).

- اما قرآن چه نقشی در این نور باران عبادی دارد؟
- قرآن نور در واقع باکس نور نهاد اسلام است، نبض تپنده ایمان و مرد و زن مومن است. این نور اتفاقا منشا رحمانی دارد. نور مستقیم خداست. موجب هدایت مومنین است. مسلمانان غالبا از قرآن برای تامین نور محافل انس با قرآن و در حد نازلش برای تبرک جستن، استخاره کردن، افتتاح یک پروژه، خواندن سوره یاسین بر سر قبر عزیزان خود، مطهر

کردن خانه جدید، بدرقه راه روشن تازه عروس و تازه داماد، هنگام سفر عزیزی به یک مسافرت طولانی و نظایر اینها استفاده می شود. این نور اگرچه ماندگاری ندارد اما جای پشتیبانی دارد.

- نور قرآن چراغ راه یک مومن است، ادغام نور وجودی خود با نور آیات قرآن است. ترکیب نور خدا با نور خود است. دو باکسه کردن نور عبادات خود است. این نور در زیارت کعبه به اوج خود می رسد. اسماعیل در اینجا ذبح می شود، ابراهیم در این نقطه امت واحده می شود.

هی نرویم برای خود و آینده فرزندان خود باکس ظلمت (dark box) مهیا کنیم. این کار را شیاطین جن و انس روزانه انجام می دهند. جنس صدای های خود را هم جنس صدای خدا بکنیم. سیگنالهائی که به بالا می فرستیم فقط صدای نتراشیده و نخراشیده ما نباشد. **فرصت نیست بنویسم که این صداها، ضد صدا هستند** (Anti-quorum sensing)، تولید نور می کنند اما تا پایان یک نماز.

نماز پیاده کردنی است، پیاده های خود و سواره های بیخود را از خود برانیم. مظهر هم صحبتی با خدا را در بین مردم به نمایش بگذاریم.

چه اصلی مهم تر از شایسته سالاری، چه فرعی مهمتر از دست کارگر را بوسیدن و تا عرق بدن او خشک نشده مزد او را دادن، جلوی فساد را گرفت ، با دروغ مبارزه کرد، از دین بد دفاع نکردن و... تا دیر نشده خود را برای هم صحبتی با خدا آن گونه که در شان اوست آماده کنیم. او هم صحبتی مقربین را بیش از همه دوست می دارد، برای لباس تقوا ارزش ویژه قائل است. تقوا در حفظ ارزشها است.

صبح به صبح به خدا سلام کردم (ابوحنیفه از پیامبر اسلام نقل می کند که آن حضرت فرمود نگویید سلام بر خدا، چرا که خدا خودش سلام است)

در نماز خود به خدا سلام کردم

لوکس باکس نور نورانی است

نور حق دیدم به خدا سلام کردم

**تابید برای کم کردن فاصله مسلمانی و مومنی. فاصله علم و جهل و خرافه. به سمت تولید نرم افزارهای علمی بلاست اعمال**. که چون وارد اطاق پر نور پایگاه نُورٌ عَلَی نُورٍ شدیم (برخلاف اطاق ایکس ری) آنچه دیده نشود حضور اجسام و اجرام ما باشد. زیرا نور ما با نور خدا یکی شده است. در غیر اینصورت تاریکی اجسام و ارواح ما مشهور خواهد بود.

آدم خوب کم ظلمت، آدم متوسط نیمه ظلمت و آدم بد تمام ظلمت خواهد بود و بر اطاق نور سایه خواهد افکند. انبیا و اوصیا کم ظلمت ترین افراد خواهند بود که با تابش نور خدا (وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا–زمر/۶۹) نور ایشان هم در ساحت قیامت ساطع خواهد شد.

- مردان و زنان با ایمان را نورشان پیش رو و از جانب راستشان شتابان حرکت می کند (حدید/۱۲).
- ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و برای شما نوری قرار دهد که به برکت آن راه سپرید و بر شما ببخشاید و خدا آمرزنده مهربان است (حدید/۲۸)(مراجعه شود به مقاله ساعت قیامت-ساحت قیامت: جهنم یا بهشت؟ در همین سایت).

در تصاویر صورت ایشان با نور پوشانده می شود در حالیکه کل وجود ایشان نور است. ایشان نور را از خدا می گیرند. نور سجاده نماز صبح ویژه است. سجاده نشینی را باید تجربه کرد. سجاده نشینی نه به معنی نشستن رو به قبله و فکر و ذکر بیهوده است. بلکه وصل شدن است. اتصال کامل است. پیک های بلند گرفتن از توالیهای وجودی است. این توالیها نیازی به ویراستاری (edit) ندارند. زیرا ویراستاری شده خدائی هستند.

پیک (Peak) خود دیدم ولی پیکر نبود

ذکر خود دیدم ولی حیرت نبود

تا کجا دیدم که بود دیگر نبود

چون تلاوت می شنید حسرت نبود

**موضوعات قابل توجه دیگر در مورد نماز:**

- اول نماز بعد جانماز.
- اوج رکوع و سجود زمانی است که تو در همان وضعیت بمانی تا به تو اذن برخاستن از رکوع و سجود را بدهند.
- اگر خدا محل جای مهر را بطور مشخص پیشانی تعیین نکرده بود معلوم نبود این جای مبارک با دست نامبارک ما در کجای بدن غیر از پیشانی ظاهر می شد؟
- تنها علاج غفلت در نمازهای یومیه که به دو دلیل ندانستن زبان عربی و یکنواختی قرائت اذکار است، تکرار نماز، تغییر مرتب ذکرها، دو رکعت نماز مستحب خواندن (بعنوان طعمه/پیش مرگ)، مکث عمدی در جائی که احساس می شود شیب خواندن نماز تند است (نماز ترمز بریده)، ادای بلند یک کلمه برای به خود آمدن، استماع مناجات دیگران در نمازهای جماعت و سرانجام تکرار شهادتین، سلام ها و سجده پس از پایان نماز است.
- باز تنها وسیله وصل در نماز، تکرار دوباره و یا سه باره نماز خوانده شده است.
- بیشتر نمازهای ما شبیه به جستجوگرهای اینترنتی در گوگل و یاهو است که احوال شخصیه ما را در مدت چند دقیقه نماز مرور آنی می کند. از این حیث هیچ جستجوگر شناخته شده ای قادر به باز کردن این همه فایل صوتی و تصویری در این مدت کوتاه نیست! ویژگی دیگر این جستجوگر، فعال شدن در جهت قبله است! نقش شکیات نماز، بازیابی فایل های گم شده است!

- نشانه وصل در نماز گریه است. مزه دنیوی آن چون مسرت الهام شعر به شاعر است. یا وصل شدن کامپیوتر به اینترنت است. اما مزه معنوی آن همه حظ را با هم داشتن است. از تکرار این وصل ها است که انسان، خلیفه الله می شود.
- حال علی (ع) در نماز چنان بود که می شد تیر را از پایش کشید و حال ما در نماز چنانست که می توان کل نماز را از آن بیرون کشید.
- ولع نمازگزار به سجده چون ولع بچه شیرخوار به پستان مادر است.
- تا سجده نکنیم حظ سجده های علی را درک نخواهیم کرد. در سجده واقعی، نمازگزار خود را در انتهای صف طویل ساجدین کل عالم می بیند.
- پندار بدون کردار چون اصول دین بدون فروع دین است. سنگ نماز اگر بدرستی اقامه شده باشند جزو سنگین تر و امتیازترین آورترین سنگ های ترازوی روز قیامت خواهد بود.
- اگر مجبور بودیم به ازای هر نماز بی حضور قضای آن را بجا بیآوریم باید دائم الصلاة می بودیم. اما در باب نماز گویا اصل بر فراموشی و بی حضوری است.
- نمازهای یومیه سطح نماز و نماز شب عمق نماز است. کار هر کس نیست!
- در طول روز میلیونها پیغام مسلمانها به عرش خدا منعکس می شود. اما شب این مرکز رله سیگنالها خلوت است. با کمترین سرعت انتقال پیغام روبرو است. پس اگر شب پیغام بفرستی خط شلوغ نیست، سریع شنیده می شود. خدا را چه دیدی شاید بعد از مدتی به سراغت آمدند که شما را خدا حضورا می خواهد! این یعنی معراج دور نیست! غریب نیست! در این حد مخصوص همه است!
- جایزه نقدی نماز، خواندن تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (ع) است. دیدن نور زیردستان و روی صد دانه تسبیح است.
- در مورد ضرورت یا عدم ضرورت خواندن قنوت در نمازها باید به نوشته های قبلی خود این نکته را هم اضافه کنم که تنها جائی که قنوت بخوبی تعریف شده است نماز شب است! گوئی دستور خواندن آن کاملا دست نخورده باقی مانده است. شاید به این خاطر که کمتر کسی رغبت به ادای آن داشته است. لابد فکر کردند پیامبر خدا نصف و یا ثلث شب های خود را به این امر اختصاص داده برای امت ایشان هم کفایت می کند! من که تراتب و ترغیب های آن را به روح نماز واقعی نزدیک تر می بینم.

اجمالا نماز شب جمعا ۱۱ رکعت است. ۸ رکعت نماز دو رکعتی به نام نماز نافله شب، ۲ رکعت نماز شفع و ۱رکعت نماز وتر است. وقت شد ۲ رکعت نماز نافله صبح و ۲ رکعت نماز واجب صبح که جمعا می شود ۱۵ رکعت. نماز شفع قنوت ندارد و نماز وتر که شامل یک حمد و یک قل هوالله است قنوت دارد. در قنوت نماز وتر سفارش شده است به گفتن ۷۰ بار استغفرالله ربی واتوب الیه، ۷۰ بار هذا مقام العائذ بک من النار (این مقام پناه بر تو است از آتش)، ۳۰۰ بار العفو العفو و نیز دعا برای چهل مومن با اسم بردن از ایشان. در پایان نماز یک رکعتی وتر خواندن تسبیحات فاطمه

الزهرا (ع) هم بدقت منظور شده است (مراجعه شود به تکمله مقاله نماز به عربی و دعا به فارسی نور است،۱۳۹۵ در همین سایت).

زیرا با توجه به برداشت من از این تسبیحات، انسان مومن در پایان نماز به رنگ نور نماز خود که رنگارنگ است، نور سبز رنگ تسبیحات آن حضرت را اضافه می کند تا کل نماز او رنگ رنگین کمان بگیرد. اخیرا هم (فروردین ۱۳۹۹) دریافتم که نور تسبیحات فاطمه (س) می تواند دیوار چینی محکم برای هر نماز باشد (مراجعه شود به مقاله نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع دستگاه پی سی آر (PCR)، پوستر معراج نماز، بلاست (BLAST) نرم افزاری برای تداعی نحوه سنجش اعمال در روز قیامت و نیز تکمله نماز به عربی و دعا به فارسی نور است در همین سایت).

- چقدر حیف است نمازگزار نماز شب اینقدر وقت نداشته باشد قبل از اذان صبح، نماز نافله صبح و دعای نافله صبح را بخواند. چرا حیف است؟ به این دلیل که ذیلا می آید:

نمازگزار پیش از خواندن دعای نافله صبح، ابتدا دو رکعت نماز نافله صبح را می خواند و سپس بر پهلوی راست رو به قبله می خوابد و گونه راست خود را روی دست راست می گذارد و دعای نافله صبح را که برای خود عظمتی است به شرح زیر را می خواند. با این دعا، نورها نمازگزار را و مکان نماز گزار را و جسم و روح نمازگزار را نور باران می کنند:

اِسْتَمْسَکْتُ بِعُرْوَةِ اَللّهِ اَلْوُثْقَی اَلَّتی لاَ اِنْفِصامَ لَها وَ اِعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اَللّهِ اَلْمَتینِ

وَ أَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ اَلْعَرَبِ وَ اَلْعَجَمِ وَ شَرِّ فَسَقَةِ اَلْجِنِّ وَ اَلْإِنْسِ رَبِّیَ اَللّهُ رَبِّیَ اَللّهُ رَبِّیَ اَللّهُ

آمَنْتُ بِاللّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اَللّهِ لاَ حَوْلَ وَ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّهِ- (وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اَللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

إِنَّ اَللّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اَللّهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْراً) حَسْبِیَ اَللّهُ وَ نِعْمَ اَلْوَکیلُ اَللّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ

وَ لَهُ حَاجَةٌ إِلَی مَخْلُوقٍ فَإِنَّ حَاجَتی وَ رَغْبَتی إِلَیْکَ وَحْدَکَ لاَ شَرِیکَ لَکَ اَللّهُمَّ لَکَ اَلْحَمْدُ رَبَّ اَلصَّبَاحِ

اَلْحَمْدُ لِفَالِقِ اَلْإِصْبَاحِ اَلْحَمْدُ لِنَاشِرِ اَلْأَرْوَاحِ اَلْحَمْدُ لِقَاسِمِ اَلْمَعَاشِ اَلْحَمْدُ لِلّهِ جَاعِلِ اَللَّیْلِ سَکَناً

وَ اَلشَّمْسِ وَ اَلْقَمَرِ حُسْبَاناً- ذلِکَ تَقْدِیرُ اَلْعَزِیزِ اَلْعَلِیمِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

وَ اِجْعَلْ فی قَلْبی نُوراً وَ فی بَصَری نُوراً وَ عَلَی لِسَانی نُوراً وَ بَیْنَ یَدَیَّ نُوراً وَ مِنْ خَلْفی نُوراً

**وَ عَنْ یَمِینِی نُوراً وَ عَنْ شِمَالِی نُوراً وَ مِنْ فَوْقِی نُوراً وَ مِنْ تَحْتِی نُوراً وَ عَظِّمْ لِیَ اَلنُّورَ**

**وَ اِجْعَلْ لِی نُوراً أَمْشِی بِهِ فِی اَلنَّاسِ وَ لاَ تَحْرِمْنِی نُورَکَ یَوْمَ أَلْقَاکَ**

ولی اگر نمازگزار دید به نماز صبح نزدیک تر شده است و نمی تواند همه نمازها را به جا بیآورد بهتر است ۸ رکعت نماز نافله شب را کوتاه (فقط حمد را بخواند) به جا بیآورد و اگر خیلی نزدیک به اذان نماز صبح شد از ادامه خواندن نماز شب صرف نظر کند و وارد فرضیه نماز واجب صبح بشود که این هم بنظر من بسیار خوب تبیین شده است. **چرا که نماز شب بالا رفتن در ارتفاع و نماز صبح پائین آمدن به سطح و پیوستن به نمازگزاران عادی برای بالا رفتن به صورت جمع است**. فایده این کار هم نوا و هم نماز شدن با دیگر مومنین و از آن مهمتر نور تابانیدن بیشتر به عامه مردم است. ضمن اینکه آموزش افراد است که ملاء اعلا جای سکنی گزیدن دائم برای زندگان مخلص نیست مگر در دنیا کار اخروی بکنند که این پاداش نصیب مومنین پس از رحلت می شود.

سئوال: چرا قنوت در نماز وتر واجب است؟

زیرا آخرین رکعت نماز شب است. رکعت بعدی دیگر وجود ندارد. هرچه هست رکعت های مستحبی است. اما رسمی نماز شب نیستند. این قنوت و انواع دعاهای وارده در آن، مزاحم حمد خدا نیست. بلکه گرفتن مستقیم انعام از دست خداست. بعضی آقایان گفته اند خواندن دعا به زبان فارسی و غیر فارسی در قنوت چه در نماز واجب و چه در نماز مستحبی مانند نماز وتر جایز است! مبنای علمی و فلسفی و عقلانی این صحبت برای من ناآگاه به حدود و احکام کامل اسلامی محرز نیست و مغایر با برداشت های عرفانی من است. من آن را عین بدعت و دور شدن از اصل دین و جدائی بیشتر اهل تشیع از اهل سنت می دانم.

تصورش بکنید به هر کشوری بروی ببینی نصف نماز عربی و نصف دیگرش عجمی است!! چه کسی این انشقاق، تشت و تنزل عقیدتی را تحمل می کند؟ چه کسی زیر بار این بدعت آنهم از نوع دیلمانی می رود؟ کم بدعت ایرانی داشتیم یک بدعت دیگر هم بدست خود می خواهیم اضافه بکنیم! الحذر و الغیاث از آن روز!

**زبان نماز زبان بین الملل جهان اسلام است. زبان وحدت عالم اسلام است. نماز مشترکات مردم مسلمان است.**

- اگر سلامتی اصل و بیماری استثناء است، غفلت در نماز اصل و اقامه نماز استثناء است!
- بیشتر نمازهای ما حرکات فیزیکی بر طبق عادت و اعتیاد است که در زبان ترکی به آن می گویند" دنبالا و پیستان" (النگ دولنگ بازی)!
- اگر خدا می خواست از نمازهای ما ایراد بگیرد این نمازهای ما مفت هم گران بود!
- نماز، دانشگاه است. نماز، روز بعد از فارغ التحصیلی است. روز بعد از عید نوروز است، تمامی ندارد. با پایانش آغاز می شود، با شروع اش همه چیز بهاران می شود، فرد خود را و محصول تلاش خود را به جامعه عرضه می کند. اگر غیر از

این باشد نماز برای نماز بوده است. لغلغه زبان بوده است. برای رفع تکلیف بوده است. برای من سال ۹۱-۱۳۹۰ سال نماز بوده است. هر بار نماز خواندم یک پیام برای من وارد شد. نوشته های جدید من محصول مستقیم نماز بوده و انشالله خواهد بود.

- نگاهی به سه شعار اذان نماز"حیّ علی الصّلاة"، "حیّ علی الفلاح" و "حیّ علی خیر العمل" در بین اهل تشیع و جایگزینی"الصَّلاةُ خَیرٌ مِنَ النَّوم- نماز از خوابیدن بهتر است" به جای "حیّ علی خیر العمل" در اذان اهل تسنن به خوبی نشان می دهد که:

این جایگزینی کاملا اشتباه و از روی غفلت و تجاهل بوده است. زیرا که شعار جایگزین، اولا در خود پیام"حیّ علی الصّلاة" مستتر است. ثانیا شعار سه گانه "بشتابید برای نماز، رستگاری و بهترین عمل" مرتبط با هم، هم نوا با هم و همراه با هم هستند. اتفاقا علت پیشرفت و پسرفت مسلمانان در ۱۴ قرن گذشته بستگی کامل به میزان تعهد و تقید ایشان به اجرائی شدن این سه شعار انسان ساز/جامعه ساز داشته و خواهد داشت.

اما اینکه بعضی ها شبهه می کنند که سه شعار فوق ترجمان سه شعار معروف و زرین دین زرتشت"پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک" است! باید گفت درست است در مواردی این شعارهای آسمانی شبیه به هم هستند اما به هیچ وجه منطبق با هم و همزاد هم الا در مورد "حیّ علی خیر العمل" نیستند. غیر از این هم انتظاری نیست. شعارهای سه گانه و در عین حال یگانه اسلام بسیار کامل تر و با هدف تر از سه شعار موازی هم زرتشت است.

شعارهای نماز و هر حکم دیگر اسلام یک روند رو به تکامل و تعالی را دارد و از "الف" تا "ی" آن واضح و مبرهن است. در این مورد بخصوص فرد با نماز (امتحان نظری) و عمل به خیر (امتحان عملی) وارد آستان فلاح و رستگاری (پاداش) می شود. فلاح پاداشی است برای اقامه نماز و عمل به کارهای خیر. آسمان بی ریسمان مقدور نیست. باید روزانه چند بار در پیشگاه خدا ایستاد و تکالیف خود را بصورت تئوری مرور و تکرار کرد. بعد از آماده شدن ذهنی وارد جامعه شد، کار نیکو کرد و پاداش هر عمل را در همان روز دریافت کرد و پاداش های کلان تر را در مواقع دیگر. مطمئنا خوبی برای خاطر رضای خدا بسیار متفاوت تر از خوبی برای خوبی است. تفاوت از خدا تا لاخدا است. با خدا باش پادشاهی کن.

- فاصله بین وقت نماز شب با وقت نماز اول صبح شاید نیم ساعت باشد. اما اهمیت و ارزش هر دقیقه نماز شب برابری می کند با هزار رکعت نماز وقت و بی وقت روز! باید دقت کرد دو رکعت نماز مستحبی در همان دقیقه پایانی وقت نماز شب و قبل از شروع اذان صبح خوانده شود. زیرا اوقات نماز شب متفاوت از اوقات شرعی نماز است. چرا که هنوز اذان صبح گفته نشده است و بسیاری از خلایق در خواب و بیداری منتظر شنیدن صدای اذان هستند و کمتر کسی بیدار نماز است. ملاقات خدا در همان یک دقیقه آخر شب (خلوت شب) صفای و برکات ویژه خود را دارد. با شروع اذان صبح، ترافیک نمازگزاران ثانیه به ثانیه افزایش می یابد و از آن مجال خلوت گفتگو و از آن خلوتگه راز و نیاز دیگر خبری نیست.

- نمازهای فُردا بظاهر فُردا هستند. اگر همه دیوارهای سطح زمین برداشته شود خواهید دید هیچ نمازگزاری در هیچ یک از ساعات روز دنیا به تنهائی رو به قبله نیست.
- صدای آمریکا می گفت (مهر۱۳۹۲) به تازگی دانشمندان دریافتند که مغز قادر نیست همزمان هم کار فکری بکند و هم پاکسازی مواد زائد و سموم متراکمی را که در طول روز در سلولهای مغز تجمع می یابد. به عبارت دیگر مغز در وضعیت خواب و وضعیت بیداری درگیر فعالیت های متفاوتی است. فقط در وضعیت خواب است که سلولهای مغز قادرند مواد زائد و سموم را پاکسازی و خود را برای فعالیت بهتر در حالت بیداری آماده کند.

این خبر یعنی دانستن یکی دیگر از شاهکارهای خلقت. یعنی مزاحم خواب مردم نشدن. شخص خوابیده را الکی برای هر کاری صواب و ناصواب بیدار نکردن تا مثلا بلند بشود نهارش را بخورد. زیرا که شخص خوابیده در خواب هم کار بیداری می کند.

و بالاخره اینکه خالق این زیبائی ها را عبادت کنید با دو رکعت نماز اول صبح. اما نه با لگد که با صدای اذن. تا بیدار شدن برای او نوش و نه نیش باشد.

به نمازگزاران حرفه ای هم یاد می دهد به جای سیاه کردن پیشانی بفکر فعال کردن مغز خود باشند که مغز فعال یقینا زیباتر و موحدتر از سیاهی پوست پیشانی است. همانگونه که قبلا نوشتم دو رکعت نماز اول صبح کف عبادت صبح است. اگر بخاطر خواب آلودگی و یا پریشانی خاطر دو رکعت اول به بطالت رفت و خواندن نماز احساس نشد قضای فی الفور آن برای درک حضور و دریافت پیام ضروری است.

- نماز یعنی نور، تولید نور برای دیدن راه و رفتن ماه.
- **اجیر کردن فردی حتی در سطح مجتهد برای نماز و روزه های فوت شده یک میت بقدر یک چراغ نیم سوز بر روی قبر میت حائز اهمیت است! ولاغیر.**

شاید مشکل مالی یک فقیر آبرومند را بتواند برطرف بکند اما برای میت یک فاتحه ائی بیش نیست. زیرا نماز صرفا تکلیف شرعی نیست. تکلیف الهی برای اتصال است، برای عروج است، برای دیدن و شنیدن است، برای برداشتن حجاب هاست، برای رفع مشکلات دنیاست، برای گلایه است، برای محبت است، برای توفیق است، برای سبک شدن است.

- هیچ عبادتی جایگزین نماز نیست. هیچ مومنی بی نماز نیست. هیچ عبادتی بی نیاز نماز نیست. اول و آخر عبادات نماز است. خضوع در نماز برای تحقیر انسان نیست. رکوع و سجده برای شکستن انسان نیست. بلکه برای بلند کردن او بدست خداست. دو دستی از سجده بر می گیرند و به آسمان می برند. وَ رَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ- و نامت را برای تو بلند گردانیدیم. یعنی همین.
- نماز مقبول اما مردود نداریم.

- مدتها در نمازهای یومیه امسال (۱۳۹۲) از خدا می خواستم اگر نماز من مقبول درگاه است گل مصنوعی داخل گلدان سرامیکی را که در برابر من و رو به قبله قرار داشت حیات بخشد!
- بعدها به خود می گفتم من کجا و آرزوی احیای یک بی حیات کجا! تا اینکه این چند روز باقیمانده از عید دیدم بچه ها گلدان را برداشته اند و به جای آن یک جلد کلام الله مجید گذاشته اند و در دو طرف آن چراغ لاله جدید! فهمیدم وصلم. به بتول گفتم تنها کمبود این محراب جدید عکس بلند کعبه است که یا باید آن را از مکه که سال بعد مشرف می شوم ابتیاع بکنم و یا در ایران بدنبال یک تابلوی فرش مزین به خانه کعبه باشم. این آرزوی هم با آوردن یک سوغاتی از مکه محقق شد. مثل همیشه ممنونم خدا.
- در دهه ۶۰ در برنامه تلویزیونی "هشیار و بیدار" مسابقه ائی برگزار می شد که در آن نماینده گروههای شرکت کننده می باید بدون لرزش دست یک حلقه توخالی را از بین سیمی کج و معوج (مارپیچی) رد می کرد و کسی برنده مسابقه بود که دستش نلرزد یا دیر بلرزد و بتواند حداقل حلقه را تا وسط های سیم جلو ببرد. وقتی حلقه در هر مرحله ائی از کار با سیم تماس می گرفت دستگاه آژیر می کشید و مجری ادامه حرکت را متوقف و زمان گرفته شده برای هر فرد را اعلام می کرد.

این را می شود برای نمازهای یومیه هم تسری داد. سیستمی را طراحی کرد تا نمازگزار درحین خواندن نماز به محض فرو رفتن در مشکلات روزمره و غافل شدن از نماز، سیستم با صدای ملایم تا درشت اعلام خطر بکند و یا برای حفظ آبرو ثبت مواقع بکند تا معلوم بشود چند ثانیه از نماز فرد با حضور بوده است. اگر اخطار به صورت صوت باشد درآن صورت آبروئی بر نماز کسی باقی نمی ماند! و نمایش آن موجب خنده و مزاح دیگران می شود.

براستی که همه بدبختیهای ما مسلمانان از ادای ناقص و معیوب و بی موقع نماز و دیگر فریضه های واجب است. قربان محبت و مرام خدا بروم به همین هم راضی است! چون می داند کاچی بهتر از هیچی است. بنده چند معجون و چند مجهول اگر ول بشود قطعا جایش قعر جهنم است و در نظر او جهنم نه برای سوزندان که برای ترساندن است (درج قسمتی از نظر در سایت بینانیوز ذیل خبر دروغ‌گویی‌های صدا و سیما تمامی ندارد.۱۳۹۳/۵/۳۱. فایل ۳۷).

- یکی از ویژگیهائی نمازهای یومیه در مکه مکرمه و مدینه منوره، قرائت زیبای حمد و سوره، نظم، سکوت مطلق و آرامش نمازگزاران است. در انتهای نماز هم خواندن نماز میت برای درگذشتگان است. اما کیست که نداند نماز خود جامع همه این واجبات و مستحبات است. در واقع ما ما با سلام های آخر نماز خود پا را فراتر از این گذشته و به همه مردگان و زندگان همه اعصار و عصر خود و بعد خود سلام ویژه می فرستیم. در واقع در قطعه هنرمندان، شهدا و جانبازان و راستگویان عالم هستیم (مراجعه شود به مقالات تکمله شاخص های قرآنی و دو مرتبه علمی: الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْم و أُولُو الْأَلْبَاب،۱۴۰۰ و گفتارهای تنهائی،۱۴۰۰ در همین سایت).

- ساخت مناره های مساجد به سمت مکه، هم جهت قبله را نشان می دهد، هم زمینه هم آوائی با نمازگزاران خانه کعبه را فراهم می کند (ارسال سیگنال در کمترین زمان و با بالاترین ضریب اطمینان) و هم اتصال بدون برو برگرد با صاحب بیت را آسان می کند.
- به تعداد نمازگزار، نماز متفاوت است. درست است قبله یکی است، اذکار یکی است، اوقات یکی است، اما نوع ارتباط یکی نیست. حتی شرایط هر نماز برای یک نمازگزار یکسان نیست. یک بار نماز خدا می خواند هزار بار نماز خود را. اگر اوج بگیرد فقط نماز را برای خدا و دیدار خدای خود می خواند.
- حرفهائی از بعضی بظاهر بزرگان قوم می شنوم که بیشتر بدرد معده می خورد تا لوزالمعده (غده پانکراس- غده پشت معده).
- مثلا آقای یوسف اشکوری در برنامه پرتو نور (۱۳۹۴/۸/۱۸) می گفت اگر امروز پیامبر می بود نمی توانست جامعه فعلی را هدایت بکند! مثل اینکه من بگویم حافظ اگر می بود نمی توانست شعر امروز بگوید. هکذا ابن سینا. مگر این تعداد مسلمان را پیامبر مسلمان کرده است؟ معجزه اسم اعظم کجا رفته است؟ مگر دکتر شریعتی زمینه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷را مهیا نکرد؟ فرد نه اینکه مهم نیست. بسیار هم مهم است. سفارش خدا به ما و به ملائکه برای ختم صلوات به پیامبر در هر نماز و هر بار ذکر نام او و اشتیاق ما به دیدار او در روضه رضوان جز دعوت ثانیه به ثانیه او در پشت پرده است؟
- کیست نداند پیامبری هر پیام با هر کس نیست. پیامبر مهم است اما پیام مهم تر است. این پیغام است که انسان ها را منقلب می کند و من در مقالات پروتئین سازی الگوئی برای انسان سازی و امت سازی و پیام آسمانی-همخوانی کار سلول با کار انبیا در همین سایت به تفصیل درباره آن نوشته ام.

این پیام است که خداوند عالم بطور مرتب و با نسخه های جدید بواسطه بندگان خاص خود به دنیا ابلاغ می کند و انسان را از مهلکه های مهم حفاظت می کند. او سازنده ژنوم انسانها و داننده نقطه ضعف انواع است. کار پیامبران محدود کردن بیان ژنهای نامطلوب و بیان کامل ژنهای مطلوب است. نقش محیط ها هم تعیین کننده است و محیط های سالم را هم خوشبختانه ادیان تعریف می کنند. در عین حال کیست که مشتاق ظهور منجی عالم نباشد.

- رابطه خوب با خدا داشتن، دیدن او، شنیدن سخن او، و در پی دویدن اوست. وقت قرار اذان. وقت اتصال نماز. از تو گفتن از خدا شنیدن - از تو شنیدن و از خدا گفتن. ۵ نوبت رونمائی از صحنه دیدار دو دوست در یک شبانه روز.
- نماز بمانند خودرو است. راه نبرد روخود است. بدرد نخورترین نمازها بدرد ماشین بازی بچه ها می خورد! بدرد چرت زدن موقت می خورد. بدرد پز دادن می خورد. بدرد پناه بردن می خورد! بدرد پارکینگ می خورد و..
- اگر نماز یک نوع ورزش هم هست؟ که هست. باید دید حرکات بدن یک بار در حالت عادی و حین خواندن نماز و یک بار بدون خواندن نماز اما با تقلید حرکات آن دچار چه تغییرات فیزیولوژیکی می شود؟ حتی می شود این دو حرکت را یک بار رو به قبله و بار دیگر درجهت دیگر انجام داد و با دستگاه های پیشرفته مقایسه کرد. و باز می شود

این حرکات را با حرکات نرمشی دیگر مقایسه کرد. مسلمانان درخواب اند! وگرنه می دانستند نماز ورزشی با نماز معنوی چه تفاوتهای فیزیکی و فیزیولوژیکی دارد.

شاهد از غیر رسید (از غیب رسیده بود اما از مسلمانان نه!) دیروز (۱۳۹۷/۱۱/۴) ویدیوئی را در یک شبکه مجازی می دیدم که از سجده مسلمانان رمز گشائی می کرد. طبق این خبر پزشکان آمریکا متوجه شدند در هنگام سجده دقیقا همان اتفاقی می افتد که بیماران را به آن توصیه می کردند ورزش خاص برای خون رسانی بیشتر به دیسک و نخاع (ویدئو آپلود شد).

- علم یقین–عین یقین–حق یقین سه مرتبه یقین در زبان عرفاست که با علم درک می شود، با عین ثبت می شود و با حق جذب می شود.

اما اگر چنانچه خواسته باشیم با روش پی سی آر(PCR) این سلسله مراتب تعریف و بیان بشود. آن موقع باید گفت فقط با خواندن نماز حتی درعالی ترین وجه آن به حق یقین نمی توان رسید. درست است نماز ژن اصلی کل عبادات است اما محصول پی سی آر آن محدود است. همراه با این تکثیر، آغازگرهای دیگری هم لازمست که قادر باشند به هر کجای ژنوم واحد در هر زمان و مکان متصل شدند تولید محصول کنند. صرفا در این مرحله است که فرد به عین یقین و سپس به حق یقین می رسد. حق یقین یک ذکر ساده هم وسیله اتصال است. اما اینقدر فرد با علم و عین و عمل خود تکثیر ژن و تحصیل غیب می کند که احصای آن از دست فرد خارج می شود و حتی خواب اندک او هم تکثیر ژن و محصول خوش می دهد (مراجعه شود به مقاله نماز و عملکرد آن با انواع دستگاه های پی سی آر (PCR) در همین سایت).

- وقتی به نماز می ایستم احساس بلند قدی می کنم. احساس می کنم یکی از بلند قامت ترین افراد دنیا هستم.

عمود دین ما قد نماز است

به قامت حد ما قد نماز است

کجای کار ما امت خراب است

نشستن بر عمود دون نماز است

- رو به قبله ایستادن و۵ نوبت نماز یومیه خواندن بظاهر رفع تکلیف است اما به اندازه دنیا در آن اسرار نهفته است. یعنی ۵ نوبت حمام نور گرفتن، جذب نیرو از کعبه گرفتن، یعنی دین خود را برای خدا خالص کردن، یعنی خود را برای خدا

بنده مخلص کردن. نور درمانی در ۵ نوبت! چقدر می ارزد؟ برای داننده و دارنده آن میلیاردها تومان. اهل سنت در این باب از من جلو هستند. الحق و الانصاف نماز مقبولی دارند.

- حفظ نماز از خود نماز مهمتر است (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ- و کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند (معارج/۳۴). به عبارت دیگر رتبه امروز نماز با رتبه فردای آن متفاوت است. خود ارتقائی دارد. خود انسان می فهمد نماز بر او تحمیل شده است یا او به نماز نیازمند است تا با آن یک رکورد روزانه زدند.

حفظ این رکورد مثل رکورد یک ورزشکار نیازمند مواظبت است. پسرفت ندارد. نمی شود هر بار نماز روز اول را خواند. مکمل هر نماز، نماز بعدی است. نماز مدرسه معراج است. برای خودش کلاس و مدارج دارد. یک خطا در اعمال، انسان را چند مرتبه عقب تر می برد. برعکس افزودن اعمال خیرانه بیشتر، نماز را جلو و باز جلو می برد.

**اذان و نماز**

(۱۳۹۵/۶/۱۹)

الصلواۀ خیر الصلواۀ

الفلاح خیر الفلاح

العمل خیر العمل

بس نباشد این صلواۀ

زنده باشد این صلواۀ

پر ندارد این نماز

پر بیاید در نماز

وقف ها دارد نماز

وصل ها دارد نماز

وقف اول اصل ماست

وقف دوم وصل ماست

وقف جان کردند نماز

کربلا کردند نماز

از پیام است آسمان

سرفراز است آسمان

شعف و شور این نماز

کوی نور است این نماز

زنده خوانم این نماز

زنده باشم در نماز

**نماز: اسطرلاب خودآگاهی-خداآگاهی/ تبریک متقابل بندگان صالح خدا از خدا**

(۱۳۹۵/۱/۳۰)

بهشت همان نماز است
این داد من تو دادی

مثال دین نماز است
من دیده ام تو دیدی

وصال دین نماز است
دادی به من ببوسم

تمام دین نماز است
ماندی به من ببویم

ندا فقط نماز است
رفتیم کجا بگویم

نیاز ما نماز است
گفتی به من بمانم

نشان ما نماز است
بر من نماز کلام است

به دین ما نماز است
بر من نماز سلام است

هر دفتری گشائی
هر یک کلام جمال است

یک جای آن نماز است
هر یک سلام جلال است

هر سلولی بخوانی
بوسم تو را نمازم

آن سلول نماز است
کوشم تو را نمازم

در آسمان نگاه کن
بویم تو را نمازم

هر انجمی تو دیدی
بینم تو را نمازم

هر انجمن که دیدی
نماز قرار خاص است

بر نام آن نماز است
نماز مدار خاص است

ماندن برای روز است
پیام پیام خاص است

خواندن برای نور است
عطا عطای خاص است

گفتن برای روح است
قرار قرار خداست

خواستن برای نون است
سئوال جواب خداست

من خواسته ام تو دادی
بیا نترس خداست

من گفته ام تو گفتی
ادب پسند خداست

تو را نماز شمار است
جای نماز زمین است

مرا وصال شمار است
کار نماز قرین است

نماز وصل همین است
با شامیان بگوئید

شمار وصل شمار است
بر ما حسین نماز است

بانگ اذن شنیدم
این شرح حال ما نیست

بانگ خدا شنیدم
بی شرح نماز ما نیست

با بندگان چه می گفت
شرح خدا وصال است

با من بیا شنیدم
بی شرح بدان مقال است

تا فکر من نباشید
مجال گفتگو هست

در فکر خود نباشید
مجال روبرو هست

با فکر خدا بخوانید
نکات صد نشان است

بی فکر جدا نباشید
مجال خنده رو هست

نماز قرین ذکر است
نگاه ما به خشت است

خدا قرین فکر است
گویا که خشت نیاز است

فکر عزیز عزیز است
گویا که خشت نماز است

ذکر خدا لذیذ است
خشتی اگر پیاز است

چشمم به قبله گاه است
هر جمله ائی نوشتم

روحم به جلوگاه است
با دیده ام نوشتم

هیچ غصه ائی ندارم
بر دختران بگوئید (آمینا و آنیتا)

دستم به دستگاه است
وقت نماز نوشتم

**الصلواۀ و السلام**

(۱۳۹۷/۱/۷)

الصلواۀ گفتم حیاۀ
رزق و روزی دست توست

الحیاۀ گفتم صلواۀ
یک دوا درمان بده

گونه گون گفتم حیاۀ
یک صفا پنهان بده

مو به مو گفتم صلواۀ
ما صدائیم در نماز

السلام عند الحیاۀ
تو سئوالی در نماز

والسلام این است صلواۀ
رب عالم ذکر ماست

راه بر عِنْدَ الحیاۀ
رحم و رحمان فکر ماست

راز سر عِنْدَ صلواۀ
جز تو غفرانی مباد

جای امن در این حیات
جز تو رحمانی مباد

الصلواۀ است الصلواۀ
جز تو میدانی مباد

راز گفتن با خدا
جز تو میزانی مباد

راز ماندن با خدا
مالک یومی خدا

با خدا گفتن سلام
روزگاری ای خدا

از خود دیدن سلام
از غضب دورم بدار

شام شب با این خدا
از ادب رودم بساز

راز حرف در این نماز
هر عبادت خاص توست

دائما راضی خدا
هر لیاقت کار توست

دائما مرضی خدا
آسمان در دست توست

ذکر ما کوته کند
ریسمان در دست توست

فکر ما دولت کند
راه یک راه خداست

بیشمار و بیشمار
راه دو راه جداست

ای خدای اولین
راه سه دیگر جداست

ای خدای آخرین
راه ها با هم جداست

بر نماز حیران شدم — تا نبینم روی تو

چون نماز باران شدم — من نبویم کوی تو

چون نماز ابداع توست — این هم اعیاد توست

در نماز گریان شدم — این هم القاب توست

هرگز از نالان نبود — هم برات است این نماز

این نگاه دوردست — هم نبات است این نماز

تا ببینم مشق تو — هم برات است این نماز

تا ببینم مشی تو — لم یولد گویم تو را

ای احد بیشتر صمد — لم یکن جویم تو را

ای صمد بیشتر احد — دم به دم گویم تو را

عبد تو با تو ابد — بی بلد بینیم تو را

فرق تو با من نمد — صد بلد دولت تراست

اشهدم در این نماز — یک سبد گفتار مرا

مشهدم در این نماز — ارجمندی ای خدا

هم صفات است در نماز — مرد مردی ای خدا

هم ثبات است در نماز

**محکم کاری نماز با زدن قفل بر پای شیطان رجیم**

**(۱۳۹۷/۱۱/۵)**

- برای محکم کاری هر عملی ابتدا باید بسم الله الرحمن الرحیم گفت. در هنگام قرائت قرآن این محکم کاری بصورت دوبله است: اول أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بعد بسم الله الرحمن الرحیم. در هنگام خواندن نماز این محکم کاریهای ۵ بار است: اول اذان بعد اقامه بعد الله اکبر بعد أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و بعد هم بسم الله الرحمن الرحیم.

چرا اینقدر محکم کاری و سفت کاری؟ زیرا شیطان باید به حالت ساندویچی در بین اسماء الهی محصور بماند. پایش چنان قفلی زده شود که تا آخر نماز کار نفسانی از او در حق بنده خدا که رو به قبله ایستاده است سر نزند. در این میان خوش به حال کسانی

که نماز را جزو جریان زندگی خود قرار داده اند. نماز هم که نمی خوانند کار نماز می کنند. غذا هم که می خورند غذای برکات نماز را می خورند. حج هم که می روند حج نماز را ادا می کنند.

گفت نماز است نماز — قبله سزاوار توست

جنگ و مصاف است نماز — اشهد احمد بگو

ذکر تو اول بگو — احمد و اعظم بگو

ذکر رجیم هم بگو — ذکر به ذکر تا به ذکر (تسبیحات فاطمه زهرا علیه السلام)

رحمت یزدان بجوی — قبله نماید به ذکر

گفته پیران بجوی — درد معانی هموست

رحمت عالم به توست — شادی دل هم هموست

رحمت دیگر ز توست — سجده اول نماز

رکعت اول خداست — سجده دوم نیاز

رکعت دیگر جداست — ذکر تو افسون کند

دور نشو از خدا — فکر تو معجون کند

تا بروی تا خدا — تا نروی روز عهد

سجده سزاوار اوست — روز تو معلوم کند

**الصلواۀ و الفلاح**

(۱۳۹۸/۲/۳۰)

الصلواۀ قبل نماز است

الفلاح بعد نماز است

خنده ها فرق نماز است

گنجه ها فضل نماز است

سر صبح نامه نماز است

بعد صبح خانه بهار است

روز و شب تازه نبات است

بخوری نقل و نبات است

اگر این خانه نباشد

تا ابد خانه خراب است

**نماز و زکات: دو روی یک سکه**

(۱۳۹۸/۴/۸)

با هر نماز زکات است — حالی نبود ریا است

این گفته خدا است — باری نبود خیال است

شکر نماز زکات است — دائم نماز دائم خطاب

بر بی نوا نماز است — دائم زکات دائم نبات

بر نانوا زکات است — این مژده نماز است

صبح پایه نماز است — این سفته نماز است

ظهر خانه نماز است — بر رهنما بگوئید

عصر سایه نماز است — تا تُصْبِحُونَ

تا روز رسد به مغرب — تا تُظْهِرُونَ نماز است

مغرب عشا نماز است — چون قبله ائی نشستی

این ساز و کار دین است — بر قله ائی نشستی

این راهیان نور است — ۵ نوبت است نماز است

ارکان به ما نماز است — یک نوبت هم نیاز است

افعال به ما نماز است — بین نماز (الصَّلاةِ الْوُسْطی) نماز است

شرط دعا نماز است — این بهترین نماز است

وصف خدا نماز است — خواهی بخوان نماز است

بر دهخدا مقام است — خواهی نخوان نماز است

بر دلربا مجال است — کم گفته اند نماز است

با من بیا نماز است

**الصَّلاةِ الْوُسْطی**: حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطى وَ قُومُوا لِلَّهِ قانِتينَ- در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی (نماز ظهر) کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید. بقره/۲۳۸. همه گفته اند مفهوم این نماز گنگ است. آقایان هم گفتند مقصود نماز ظهر است. من می گویم ده ها تفسیر علمی و عینی دارد. می تواند:

۱. حلقه اتصال بین زنجیره نمازهای یومیه چون ظهر و عصر و مغرب و عشا باشد و شاید وسیله اتصال بین سه نماز فجر، ظهر و عشا. این اتصال با خواندن نمازهای مستحبی/نافله، قرائت قرآن و خواندن دعا میسر می شود.
۲. شاید نماز وسطی حلقه اتصال بین نمازهای یومیه با نمازهای شب باشد. در آن صورت اقامه نماز بلامنقطع است.
۳. می تواند جزو تعقیبات نماز باشد. در آن صورت میوه نماز زودرس و چیدن آن در پایان نماز غیر قابل وصف است. مورد آخر می تواند شهود نماز باشد (مراجعه شود به شعر دار دنیا در همین سایت). نشر مجدد در مقاله آئین نماز،۱۳۹۹).
۴. از بعد علمی این فواصل بین نمازها در قالب نماز وسطی می تواند شبیه به فواصل ژنی (Intergenic region, IGR) در ژنوم موجودات ریز تا درشت باشد. عملکرد توالی های منطقه بین ژنی (IGR) تا به امروز نامشخص است ( intergenic spacer (IGS) or non-transcribed spacer (NTS) is a region of non-coding DNA between genes). در ژنوم انسان، مناطق بین ژنی حدود ۵۰٪ ژنوم را تشکیل می دهد. این تعداد در باکتری ها (۱۵٪) و در مخمر ها (۳۰٪) است (ویکی پدیا،۲۰۲۲).

**نماز بی حال و کسالت آور**: إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا- منافقان با خدا نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند. نساء/ ۱۴۲.

**تصبحون- تظهرون**: فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ. وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ- پس خدا را تسبیح گویید آنگاه که به عصر درمی آیید و آنگاه که به بامداد درمی شوید. و ستایش از آن اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می رسی. روم/۱۷-۱۸.

**حی های نماز**

(۱۳۹۸/۶/۱۴)

از اذان تا به اذان

کار من بوده اذان

اذن ها داده به ما

حی ها گفته به ما

حی اکبر به صلواه

حی اصغر به فلاح

حی اوسط به عمل

فرق من فرق اذان

حی من حی اذان

بهترین وقت نماز

بهترین وقت اذان

## نماز وسطی

تصور من از الصَّلاةِ الْوُسْطی: حافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطی وَ قُومُوا لِلَّهِ قانِتینَ- در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید. بقره/۲۳۸.

همه گفته اند مفهوم این نماز گنگ است. بعضی گفتند مقصود نماز ظهر است. بعضی دیگر گفتند مراد نماز جمعه است. اما من می گویم نمازهای بین نماز است. برای اتصال بین دو نماز است. امری که در بین مسلمین رایج است. می تواند نمازهای مستحبی/نافله هم باشند. می تواند قرائت قرآن باشد. می تواند بین این دو باشد. این نماز و تعقیبات آن می تواند برای زودرسی و چیدن میوه نماز در پایان نماز لازم باشد.

## ترتیب نماز

(۱۳۹۹/۲/۱۲ هفتم ماه مبارک رمضان)

منظور از ترتیب و حکم شرعی آن: نمازگزار باید نماز را به ترتیبی که گفته شد انجام دهد و هر یک از اجزای آن را در جای خود بیاورد، پس اگر عمداً این ترتیب را به هم زند، مثلاً سوره را بیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می شود.

اما حکم وجودی و فلسفی و ماورائی آن چی؟ برای خودش درس توحید است. اول حمد، بعد توحید و بعد تسبیحات اربعه بسیار دقیق در رکعت های نماز تعیین شده اند. تا انسان نمازگزار حمد خدا را نکند. توحید بر نماز او جاری نمی شود. و تا در

رکعت دوم سوره توحید خوانده نشود. تسبیحات اربعه دو رکعت آخر نمازهای ظهر و عصر و نمازهای سه رکعتی نماز مغرب در نماز نمازگزار استوار نمی شود. به عبارت دیگر اول توحید بعد حمد نداریم. بلکه اول حمد بعد تمام ارکان دیگر نماز. **فونداسیون نماز با حمد و ستایش خداست. تا آشنائیت ندهی به تو اجازه ورود به سوره توحید/اخلاص نمی دهند.**

گفت دریغ است نخوانم نماز

سوره بدانم نخوانم نماز

سوره توحید پس از حمد او

حمد خداوند تمام نماز

**نماز دانشکده های عشق و خبر**

(۱۳۹۹/۸/۳۰)

نماز تنها دانشگاهی است که نیمه شب ها باز است. برای مردم عادی وقت فجر.

صبح نماز عشق است، ظهر نماز علم است، عصر نماز حلم است، مغرب قنوت عشق است، عشا انشای عشق است.

صبح برای کسب فیض است، ظهر برای نقد فیض است، عصر برای نذر فیض است، مغرب قنات فیض است، عشا نشاط فیض است.

صبح ثبات فکر است، ظهر سه گام فکر است، عصر نگاه فکر است، مغرب کلام فکر است. عشا سلام فکر است.

خبر نما نماز صبح است:

نماز صبح عرفانی است، نماز ظهر ایمانی است، نماز عصر انسانی است، نماز مغرب احسانی است، نماز عشا ربانی است.

نماز صبح دانشکده تقدیم خبر است، نماز ظهر دانشکده تنظیم خبر است، نماز عصر دانشکده تفسیر خبر است، نماز مغرب دانشکده تاثیر خبر هست، نماز عشا دانشکده تفهیم خبر هست.

هر صبح یک خبر است

صبح خبر هم یک خبر است

احسان خبر در ظهر است

اشراق خبر در عصر است

مغرب تو ببین اخبار است

اخبار عشا اشراف است

صبح روز در روز است، لطف روز در ظهر است، شکر روز در عصر است، ناز روز در مغرب، در عشا یک منزل، نیمه شب یک منزل-یک محفل، یک مطلب-یک مذهب، یک راه آن راه، دیگر بیراه، دیگر بیزار، در نماز یافتم راه، در نماز جستم راه، راه راه بیراه، یک راه همین یک راه.

## تسبیح دسته گل نبی اکرم (ص)

(۱۳۹۹/۹/۱۳)

به نقل از امام علی(ع): فاطمه نزد من از وضع دستان خود بر اثر آسیاب کردن شکایت کرد. پس من به او گفتم که نزد پدر برو و از او تقاضای گرفتن خادم و کنیزی برای خود بکن. پس هنگامی که نزد پدر خود رفت به او فرمود که آیا می‌خواهید به شما چیزی یاد دهم که از خدمتگزار برای شما بهتر باشد؟ آنگاه گفت که هنگام خواب ۳۳ بار تحمید (الحمدلله) و ۳۳ بار تسبیح (سبحان الله) و ۳۴ بار تکبیر (الله اکبر) بگوئید.

تسبیح و تسبیحات حضرت زهرا (س)، دسته گل نبی (ص) از جانب خدا برای نماز و نیاز ماست.

**هر بار این صد دانه تسبیح قبل و بعد از نماز روی سجاده گذاشته می شود به یک شکل متفاوت در می آید.** اشکال مختلف تسبیح در سجاده حقیقتا دیدنی است. شنیدنی است. بوئیدنی و دوست داشتنی است. کدام نماز بهترین شکل تسبیح را تصویر می کند؟سئوالی است که پاسخ ندارد. اما قابل تامل است. چشم بصیرت می خواهد تا خود خودش را بنمایاند. این اشکال متنوع و متفاوت انوار الهی اند، امواج دارند، احزاب دارند، اذکار دارند.

کل این مجموعه بظاهر ساده حکایت از سر سلسله جنبان خلقت دارد. تک تک دانه های تسبیح مکلف به خدمت به ما هستند. دانه تسبیح، رشته تسبیح و تنزیل تسبیح مامور از بیت المعمور است. عدد آن در نزد ما مسلمانان معنی دار است. یک سر تسبیح و دو حد فاصل رشته، پر از ارتباط و انفصال و اتصال است. کمترین ماموریت آنها احصای حساب و کتاب اذکار فرد ذاکر است. اگر زبانزد مردم نکند. سوغاتی ندهد. سودا نکند. رجحان ندهد. روبان ننهد. از خود ندهد. بیحد ندهد.

علم می خواهد این اشکال را ببیند. این اذکار را بشنود. زمانهای آن را بشمارد و بر آن تفسیر نگذارد. یک دنیا تنوع با این صد دانه صدکاره. صد ماه در خانه. صد نام یک شانه. **میزان تقبل نماز در تسبیح و تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (س) قابل تعقیب است.** رشته تسبیح ضامن تسلسل و تضرع و تسجد وجود است. نمایانگر خلوص است. پرسنده وجود است. با دیگر رشته های کائنات سر و سری ویژه دارد.

ترتیب اذکار مشخص است. بی جا نتوان گفت. هر جا بتوان جست. جستار فهم و دستار دست است. همه جا خدا و هر جا ظهور خداست. پس ذکر، ذکر خداست. بی وقت ذکر است. با وقت کل ذکر است. بین نماز بهترین ذکر است. کم و زیاد گفتن آن جایز نیست. چون طواف، شماره دارد. شمارش دارد. شعائر دارد. شواهد دارد. در عین حال جایگزین هم ندارد. **یک رونویسی با دست است برای تولید نور در حاکمیت ذکر.**

افسوس تعدادی از بیکاری تسبیح بدست می گیرند. گروهی آن را آویزه گردن خود می کنند. تعدادی آینه خودروی خود را با آن مزین می کنند. اندکی دغدغه صیقل خوردن دانه های تسبیح خود را دارند. تعدادی التماس دعا از خدا دارند. فاطمه زهرا (س) آن را آینه وجود خود کرد. زیرا کپی زنده آن را در وجود خود دید. دی ان ی (DNA)، مقر فرماندهی اطلاعات ژنتیکی وجود ما کلی شباهت با تسبیح دارد. دی ان ی (DNA) ساختمان دو رشته ائی است. اما در هنگام بیان چون تسبیح تک رشته است. دانه های زنده دارد. بیان های محسوس دارد. اما دانه های تسبیح وقتی با انگشتان دست ما و با ذکر دهان ما به تسبیح در می آیند پر از بلاغت اند، معلم اند، محمدند، محبت اند.

یک ذکر، یک قبله، یک قرآن و یک تسبیح فرمان خدا بر بشر مودب است.

پیروان دیگر ادیان هم فلسفه خود را دارند که بی شباهت به فلسفه ما نیستند. اما به روز نیستند. یک آشنای گم شده هستند. جلوه یکسان دارند اما جلوس یکسان ندارند. یک تسبیح بی خاصیت اند. ذکر ندارد معذب اند. طول آن مهم نیست کمتر خالق اند. **برای ما تسبیح، تعریف روزانه هستی است، نشانه هستی است، یومیه هستی است.**

تسبیح به دست ما دادند یعنی دنیا را کوچک کردند دست ما دادند. جریان هدایت آفرینش را بدست ما دادند. اعتماد کردند تسبیح دادند. تسبیح تفریح نیست. تنبیه نیست. ترسیم نیست. تقدیم است. تکریم است.





دست ما تسبیح است

هست ما تسبیح است

جستجو تسبیح است

گفتگو تسبیح است

دی ان ای (DNA) تسبیح است

ترس ما تسبیح است

درس ما تسبیح است

در عوض تسلیم است

در فلک تقدیر است

در ملک مهشید است

تا کجا تسبیح است؟

تا به جا (*in situ*) تسبیح است

این روال تسبیح است

بی روال تکبیر است

تمدید است تنویر است

## تسبیح دل

(۱۳۹۹/۹/۲۶)

تسبیح به دل بچرخد

بهتر که دست بچرخد

هر ذکر او بگوید

سبحان دل بگوید

غفران او بجوید

از نام او بگوید

از کام او بجوید

افتاده را بجوید

ایستاده را ببوسد

از فاطمه بپرسند

گوید که دین بگوید

اصحاب حق بگویند

دیندار حق بگویند

در کوچه و باغ ببینند

در جمع خود ببینند

تا فرصت است بگوئید

تا فرصت است بجوئید تحسین او بجوئید

تکبیر او بگوئید

**نماز عشق**

(۱۳۹۹/۱۰/۳)

یکجا نماز عشق است

یکجا دوای عشق است

این دیده را ندیدند

اینجا برای عشق است

رخسار او رکوع است

گفتار او سجود است

بی هم قیود با هم قیام صفوف است

در قلب ما قنوت است

در قصر او سجود است

این گفته را نگفتند

غربال او احوال او صعود است

**دانشگاه نماز**

(۱۳۹۹/۱۰/۴)

او خداست من خدا می بینم لاریب فیه من خدا می بینم

در خدا من خدا می بینم در نهان و آشکار من خدا می بینم

من مخلوق خدا خدا می بینم من خدا را در نماز می بینم

گرمای نماز را می بینم

گرم ترین مکان در بهترین زمان می بینم

مقام و مجال گرم را دوست دارم می بینم

زیرا که خداست نزدیک است می بینم

خدا با من است را می بینم

گاهی فکرم می پرد

گاهی نیمه می پرد

گاهی تمام می پرد

اما در وقت خوش خوش می بینم

در اشک شوق نماز بیشتر می بینم

در کنار بنده است می بینم

در جوار رحمت ام می بینم

این گزار بنده است در گذار می بینم

این ندای نماز است در نماز می بینم

شعر خوانی نیست

شعر خدا را می بینم

خانه ام خالی است خانه او را می بینم

هرچه دست است دست او می بینم

فکرم روز و شب است می بینم

سحرگاه بیشتر است می بینم

در دانشگاه نماز بیشتر می بینم

**بیشترین است خداست**

(۱۳۹۹/۱۰/۲)

دیروز دوشنبه (۱۳۹۹/۱۰/۱) انتخابات گروه بود. نیمه شب بیدار شدم. خوابم نمی برد. دیدم ساعت ۵ و ۳ دقیقه است. اذان صبح را چک کردم دیدم نیمساعت (۵ و۳۷ دقیقه) به وقت اذان مانده. به خود گفتم فرصت دارم نماز شب بخوانم. دو رکعت اول را خواندم. مضمون این شعر به ذهنم خطور کرد. تا در تاریکی آن را بنویسم (با خاموش و روشن کردن مرتب گوشی موبایل برای دیدن و از خط خارج نشدن و با انگشت سبابه دست راست مواظب اول کاغذ بودن. زیرا کاغذها باطله هستند و کوچک) دیدم ساعت ۵ و۴۷ دقیقه است و دیگر مجالی برای خواندن نماز شب نیست. اما نماز صبح را به احتمال زیاد به وقت خواندم.

هم خدا را قبل و هم بعد نماز دیدم.

۴ روز بعد دقیقا در همین ساعت مجددا به نماز شب دعوت شدم (۱۳۹۹/۱۰/۵).

با عجله اما تمام و کمال نماز را خواندم. چند دقیقه ائی هم فرصت داشتم یک ذکر بگویم تا به اذان صبح برسم. متوجه شدم فاتحه بهترین ذکر این لیالی است. در کاغذ مربوط به نماز شب هم یادداشت کردم دفعه بعد فاتحه در بین نمازهای شب یادم نرود. چه ذکر مهمی که در این سالها از ذهن من مغفول مانده است. رفتم بخوابم. دیدم خوابم نمی آید. گوشی را برداشتم تازه های روز را بخوانم دیدم.

اول بسم الله صفحه کارزار"مطالبات اعضای هیئت علمی دانشگاه های آزاد اسلامی استان خوزستان" آمد. نوشته بودند اگر با متن موافقت هستید آن را امضا کنید. دیدم این کمتر از نماز شب من نیست. درست است من کمتر نیازمند هستم اما بسیاری از اساتید جوان این دانشگاه در مضیقه مالی هستند. حقوق بخور و نمیر دانشگاه جوابگوی زندگی روزمره آنها نیست چه برسد به حفظ آبرو و شان استادی خود. لذا ساعت حدود ۶ صبح فرم را امضا کردم.

به تو گویند که خدا تابع ما نیست

خالق ماست

تابع ما نیست

دلم از راز خداست

راز خدا راز کجاست

نگهدار من اوست

راز نگهدار من اوست

سر سال هم که خداست

پس همه جا روز خداست

پس همه کس روح خداست

روح نگهدار خداست

من کدام سوره بخوانم همه آیات خداست

یک سرودی است خداست

یک طلوعی است خداست

سماوات خداست

درد و درمان من هم دست خداست

من نمازم به تو خوانم که نماز هم که خداست

سزاوار خداست

نهانگاه خداست

سحر از جنب خداست

سفر از روح خداست

به من هم کم نخندد که خداست

خنده باران خداست

روز خندان خداست

الست از روز خداست

ابد هم روز خداست

پس خدا روز خداست

من از او بیست بگیرم خوب است

در اکانت (account حساب بانکی) من و تو نام خداست

اکانت دار خداست

توکل به خداست

خدا هم که خداست

ضمانت به تو از راه خداست

سئوالات خداست

جوابات خداست

سر ساعت به تو گویند خداست

علت فخر خداست

علت ننگ جداست

او خداست

دل آرام خداست

نگهدار خداست

بیشتر از این است خداست

## نماز تک رکعتی وَتْر نمازهای شب

(۱۳۹۹/۱۱/۲۳)

نوشته اند نماز شب ۱۱ رکعت است (عملا ۱۵ رکعت). ۸ رکعت اول به صورت ۴ نماز دو رکعتی مثل نماز صبح به نیت نافله ادا می شود. متعاقب آن دو رکعت نماز شَفْعْ خوانده می شود. آخر سر هم یک نماز تک رکعتی بنام نماز وَتْر خوانده می شود.

وَتْر به معنی مفرد و شَفْعْ به معنی زوج است.

۸ رکعت نماز نافله قبل از اذان صبح، انسان را آماده می کند برای ادای سه رکعت شَفْعْ و وَتْر. وَتْر آخرین رکعت رسمی نماز شب است.

مستحبات آن ویژه است. کمتر بیشتر خواندن اذکار چهارگانه نماز وَتْر مستحب است. بستگی به وقت اذان صبح دارد. نزدیک اذان صبح، این نماز تعطیل و به نماز بزرگتر که بار عام خداست وارد می شویم:

۱) در قنوت نماز وتر ۷۰ مرتبه استغفرالله ربی و اتوب الیه گفته می شود.

۲) برای ۴۰ مؤمن دعا و استغفار خواسته می شود (اَللّهُمَّ اِغْفِر لِلْمومِنینَ وَ اَلْمومِناتْ وَ اَلْمُسلِمینَ وَ اَلْمُسلِماتْ).

۳) ۳۰۰ مرتبه الهی العفو گفته می شود.

۴) و در نهایت هفت مرتبه هذا مَقامُ الْعائذ بِکَ مِنَ اَلْنار– این است مقام کسی که از آتش قیامت به تو پناه می برد گفته می شود.

باید اعتراف بکنم من خود شخصا در نمازهای شب مقید به گفتن ۷۰ بار ذکر استغفرالله نبودم. اما روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ فرصت کافی داشتم این ذکر را کامل ادا بکنم. در اواسط کار متوجه شدم من دیگر ذکر نمی گویم بلکه با این ذکر طواف می کنم.

دیگر زبان در اختیار من نیست او ذکر می گوید. او به دور خود و به دور این ذکر می چرخد. تازه فهمیدم چرا تاکید بر تکرار این ذکر در حد ۷۰ مرتبه است. پر واضح است برای بری شدن از آلودگی است. برای جدا کردن ذنوب از وجود است. برای آماده شدن به گفتن هذا مَقامُ الْعائذ بِکَ مِنَ اَلْنار است. این ذکر برای تطهیر وجود است. تضمین دوری از جهنم و نزدیکی به جنت است.

نیمه شب بیدار شب

با شب نشین بینای شب

ذکر بگو غفران شب

بینا کند بیمار شب

کم مگو این ذکر شب

بیمار کند بینای شب

رب شرح است نیمه شب

بی ما مگو این ذکر شب

در طواف هم ذکر شب

غفران او دنیای شب

**نماز**

(۱۴۰۰/۱/۲۵برابر با اول ماه مبارک رمضان)

**نماز خلاصه می شود:**

به یک حمد و سپاس خدا (الحمد الله الرب العالمین) و کلی رهیافت (صراط مستقیم) و دریافت انعام خدا (انعمت علیهم).

نماز ارتباطی ترین راه تماس و گفتگوی مستقیم و خالصانه با خداست. یک خلوت ویژه با خداست. یک تماس ۲۴ ساعته خداست.

**در همان رکعت اول گفتن حمد از ماست و دادن نعمات از خداست.**

استجابت دعاهای پنهان دل ماست. کسی جزو او متضمن اجابت آنها نیست. **شکرانه این نعمت**: رکوع و سجود اوست. دادن دو شهادتین وحدانیت خدا و نبوت پیامبر (ص) خداست. بلافاصله پس از این مراسم تو را به وادی السلام رهنمائی می کنند تا به سه گروه معزز و مقرب و مغفور خدا سلام بدهی و مستقیما علیکم السلام ایشان را شنوا باشی (اهل سنت سلام سوم را ندارند):

سلام بر پیغمبر (اَلسّلامُ عَلَیک اَیُهَا النّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّه وَ بَرَکاتُهُ)، سلام بر ما و بندگان خاص خدا (اَلسّلامُ عَلَینا وَ عَلی عِبادِ اللّه الصّالحین) و سلام بر دو فرشته حاضر و ناظر نماز ما و اعمال ما و همه مغفورین و مقبولین درگاه خدا (اَلسّلامُ عَلَیکمْ وَ رَحْمَةُ اللّه وَ بَرَکاتُهُ).

من را تو نبینی دادم من

هر روز تو را دادم من

یک حمد و سپاس گفتی من (سوره حمد)

من راه تو را دادم من (صراط مستقیم)

انعام ترا دادم من (انعمت علیهم)

این نعمت ماست دادم من

نام تو بردند دادم من

افضل اعمال دادم من

انعم انعام دادم من

از ملک خودم دادم من

از فعل تو هم دادم من

یک روز فضا دادم من

یک روز قضا دادم من

آسی که تراست دادم من

این دعوت توست دادم من (۵ نوبت نماز)

من را تو بخوان دادم من

بعد از تو هزار دادم من

افسانه مخوان دادم من

هرآنچه تراست دادم من

**نمازهای دو رکعتی صبح و نماز نافله شب: مشهود فرشتگان**

(۱۴۰۰/۲/۲۲ برابر با بیست و نهمین روز ماه مبارک رمضان)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا* وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا- نماز را از ابتدای تمایل خورشید به جانب مغرب [که شروعِ ظهرِ شرعی است] تا نهایت تاریکی شب بر پا دار، و نیز نماز صبح را اقامه کن که نماز صبح مورد مشاهده فرشتگان شب و فرشتگان روز است* و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو به منزله نافله ای باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند (اسرا/۷۹-۷۸).

با تو نماز صبح است

با تو قرار صبح است

یک دو رکعت نماز است

بیشتر از این نیاز است

قرب ملک در این است

فکر ملک به این است

بر تو و من شهود است

وقت سحر شهود است

شاهد شور شنود است

اینکه مقام نور است

یا که مجال نور است

انور ما سجود است

احمد ما درود است

راه سفر به نور است

**نماز همصحبتی روزانه ما با خداست**

(۱۴۰۰/۳/۱۱)

نماز بار عام است. ذکرها خاص است. ردیف ها تام است. صحبت ها اما خاص خاص است. بسته به اتصال فرد است. روحیات فرد است. اگر چنین است پس چرا باید به صورت عام باید اقامه بشود؟ زیرا با صحبت های عام و خاص نماز جان تازه می گیرد. بخاطر همین است نه نماز دیروز ما شبیه به نماز امروز ماست و نماز جماعت دیروز شبیه امروز است. در نماز جماعت آدم ها تغییر می کنند و در نماز فرادا (فرادی) خود آدم تغییر می کند.

دل و دماغ همه یک جور نیست در نماز جماعت همه جورواجورها یک جور می شود.

**بنابرین نماز یک امر تکراری نیست. مثل عید نوروز است. ساعتش متغیر، پیامش متکثر، ثباتش متاثر و فضایش متحول است.**

به هر دلیلی نماز تکراری شد وای به حال نمازگزارش. مصداق از کوزه همان تراود که در اوست.

نمازنگزار که در خواب غفلت غلطان است.

**نماز مدرسه عشق است. مدرسه دانستن و توانستن است. خواستن و برخاستن است. از خدا همه چیز خواستن است.**

نماز رونمائی از حضور خدا در کنار خود است. ایمان به خدا و اقامه نماز وسیله مطمئن برای نورانی کردن خود است. خود را به خدا سپردن است. کوه طور را به جای خود آوردن است.

نماز، کلاس درس حضوری است. میزان حضور، میزان تقبل الله است. نقدترین پاداش، قبول گفتن به شما بعد از پایان نماز است. چون سلام، در گفتن تقبل الله از دیگران باید سبقت گرفت.

حواس پرتی در نماز و به یاد آوردن خاطرات در حین نماز، یک ریکاوری اجباری است که تحقیق درباره آن از ضروریات است. چه بسا این کمترین بهره وری از نماز، یک نوع وسیله ائی برای تقویت حافظه است. بویژه اگر خاطراتی به ذهن متبادر بشود که در حال عادی انسان به آن فکر نمی کند!

بالاخره در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۱۱رمز و راز این حواس پرتی و بفکر فرو رفتن های متعدد در حین خواندن نماز برای من محرز گردید. در برنامه ۳۷ درجه بی بی سی، خانم مجری با یک پروفسوری مصاحبه ائی داشت و از او می خواست بگوید کدام ورزش برای جلوگیری از آلزایمر موثر است؟ او نرمش اسکوات یا اسکات (به انگلیسی: Squat) را موثرترین ورزش برای این مهم دانست (اسکوات یک حرکت قدرتی است که در آن شخص با خم کردن پاها، وزن بدن خود را بر روی عضلات پاها قرار می‌دهد. این تمرین اصلی‌ترین تأثیر خود را بر روی عضلات ران، بازوها، مفاصل زانو و کمر دارد).

در آزمایشگاه جناب پروفسور، آزمایشات متعددی روی خانم مجری که مشغول انجام اسکوات بود انجام داد و در هر مرحله از نرمش، از لاله گوش او نمونه خون گرفتن و همزمان مقدار اکسیژن مصرفی را از طریق دهان اندازه گیری کرد.

با تجزیه و تحلیل داده ها ثابت کرد طی این نرمش ساده، خون بیشتری به پشت مغز می رسد، در نتیجه انسان دیرتر دچار آلزایمر می شود.

نکته جالب دیگر این مصاحبه این بود که اگر فرد حین این نرمش به فکر فرو برود. در مورد هر چیزی، تاثیر این نرمش چند برابر می شود.

یک لحظه به ذهنم خطور کرد مورد فوق را در اینجا بیآورم و تاکید کنم حرکات نماز بیشتر و علمی تر از این ورزش تک بعدی است. به خدا فکر کنی چه می شود؟ به مال دنیا فکرکنی باز هم می شود.

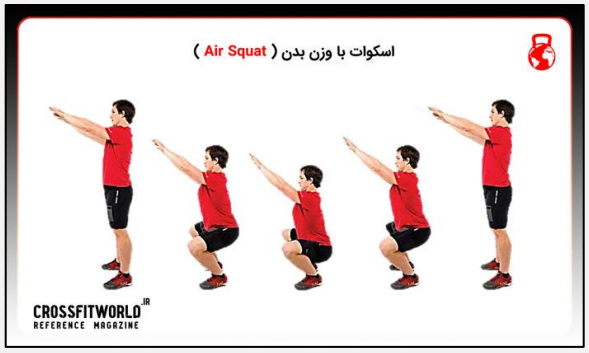


**تولدها در نمازها شکل می گیرند. جشن تولدهای معنوی خاص ایام نماز است. یک جشنی برای نمازگزار می گیرند که غلط کرده جشن تولدهای مرسوم همه ملل و فرهنگ ها.**

به در خانه که می آیند نبات می آورند. از در خانه که می روند دوات می برند.

تا نمازی این شیرینی است

بیشترین بین شیرینی است

خانقاه با تو شیرینی است

بارگاه هرچه شیرینی است

مقام نماز، مقام ادب است. مقام عرض ادب است. مقام ابراهیم خلیل است. اسماعیل ذبیح است. رسول مکرم است. تولد دیگر-تخلص دیگر است. با تفضل تقرب دیگر است.

زنگ خوب است تو بخوان

آیه از سوره بخوان

سوره در خانه بخوان

یک گواهی به تو دادند تو بخوان

نام این سوره سلام

نام آن خانه سلام

سوره در خانه سلام

این سلامت تو بخوان

میلاد نماز، میزان نماز، محراب نماز، میقات نماز، مهتاب نماز، سرخاب نماز، اذکار نماز، القاب نماز، ایمان نماز، ایجاز نماز، اعجاز نماز، اسرار نماز، احوال نماز، احسان نماز، احساس نماز، قرآن نماز، غفران نماز، اوصاف نماز،...

با این اوصاف:

آفرین کار تو نیست

نازنین ناز تو نیست

نامه ها نای تو نیست

آسمان راه تو نیست

این اجل نام تو نیست

این سفر بار تو نیست

کارگاه کار تو نیست

این نگهدار تو نیست

آن نگهدار تو نیست

چون نگهدار خداست

هر نگهدار خداست

آسمان روی خداست

ریسمان موی خداست

بهترین کوی خداست

**قبله سرائی دارد**

(۱۴۰۰/۳/۲۰)

این قبله سرائی دارد

این میوه مقامی دارد

ای سینه صفائی دارد

این سفره مجالی دارد

برسم نمازی دارد

برهم رهائی دارد

سر و صورت جمالی دارد

سر صحبت عطائی دارد

به تو گویم خدائی دارم

به تو گوید اطاقی دارد

کوچه برزن گرامی دارد

**هدایای نمازهای یومیه**

(۱۴۰۰/۱۲/۲۳)

صبح به صبح هنگام نماز صبح همه بندگان خدا یک هدیه قابل از خدا دارند. صف وایستادن هم ندارد. رسیدی گرفتی. دیر کردی هدیه دوم و سوم در نمازهای ظهر و عصر برای تو اختصاصا کنار گذاشته اند. اختصاصی است زیرا به میزان معرفت و اخلاص عمل افراد است. نگرفتی. هنوز دیر نشده است وقت مغرب و عشاء هست. نیآمدی و نگرفتی به روز بعد موکول می شود. هدیه خدا محفوظ است تا مگر دیگر مهلت دریافت نباشد. افسوس انسان در این مرحله دردآور است. جبران ناپذیر است. روز قیامت صدای افسوس و وااسفای ایشان بلند است.

هر روز صبح یک نمازت می دهند

با نمازت ترجمانی می دهند

مردمانی دودمانی می دهند

دیر کردی ظهر و عصرت می دهند

مغرب باز با شماری می دهند

در عشاء گویند نیآمد ناشتائی می دهند

باز خدا هست یک مقامی یک مجالی می دهد

تا به وقتی تا به فضلی می دهد

بعد از آن دیگر نیآید می دهند

ترس مردن با چراغی می دهند

آدم دنیا نباشند می دهند

آدم رفتن نباشند می دهند

خط نخوردی خط خود را می دهند

با تو باشد هم نخوردن هم نبردن

تا ثریا این صیامی می دهند

با خدا بودن خدائی می دهند

وقت رفتن پهلوانی می دهند

**نماز در جنت**

(۱۴۰۱/۸/۲۵)

صورتگری است این نماز

روشنگری است این نماز

در جنت هم این نماز

یک بام خوش در فضا

یک راه خوش در قضا

الفاظ خوش در قفا

الحان خوش با خدا

مقالات مرتبط با نماز در همین سایت:

۱. نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع دستگاه پی سی آر (PCR)(۱۳۹۵/۳/۱۵)
۲. پوستر معراج نماز (۱۳۹۴/۱/۲۲)
۳. نماز به عربی و دعا به فارسی نور است. سایت شفقنا ۱۳۹۱ (۱۳۹۱/۱۱/۱۰)
۴. تکمله مقاله نماز به عربی و دعا به فارسی نور است (۱۳۹۵/۴/۲)
۵. فلسفه و اسرار نماز. سایت شفقنا ۱۳۹۱ (۱۳۹۱/۱۱/۶)
۶. تکمله مقاله فلسفه و اسرار نماز (۱۳۹۵/۴/۲)
۷. نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع دستگاه پی سی آر (PCR)(۱۳۹۵/۳/۱۵)
۸. فلسفه خواندن نماز آیات (۱۳۹۷/۵/۱۱)
۹. نماز شکر بابت جارو کردن بیت المال توسط بانک مرکزی (ل)(۱۳۹۸/۳/۱۴)
۱۰. نماز شکر بابت جارو کردن بیت المال توسط علی (ع)(۱۳۹۸/۳/۱۴)
۱۱. نماز و نیاز عید قربان (۱۳۹۸/۵/۲۱)
۱۲. تور نماز (۱۳۹۸/۹/۲۱)
۱۳. خواندن نماز و قرائت قرآن یا تو را عابد کند یا شاعر یا شاهد یا شاکر یا شارح (۱۳۹۸/۱۱/۲۶)
۱۴. آئین نماز (۱۳۹۹/۱/۷)
۱۵. نماز آهنگین خدا (۱۴۰۰/۴/۱۳)
۱۶. خرده گرفتن بر نماز و توالت ایرانی! (۱۴۰۱/۳/۳۱)
۱۷. نماز پیشگاه خداست (۱۴۰۲/۲/۱۱)
۱۸.